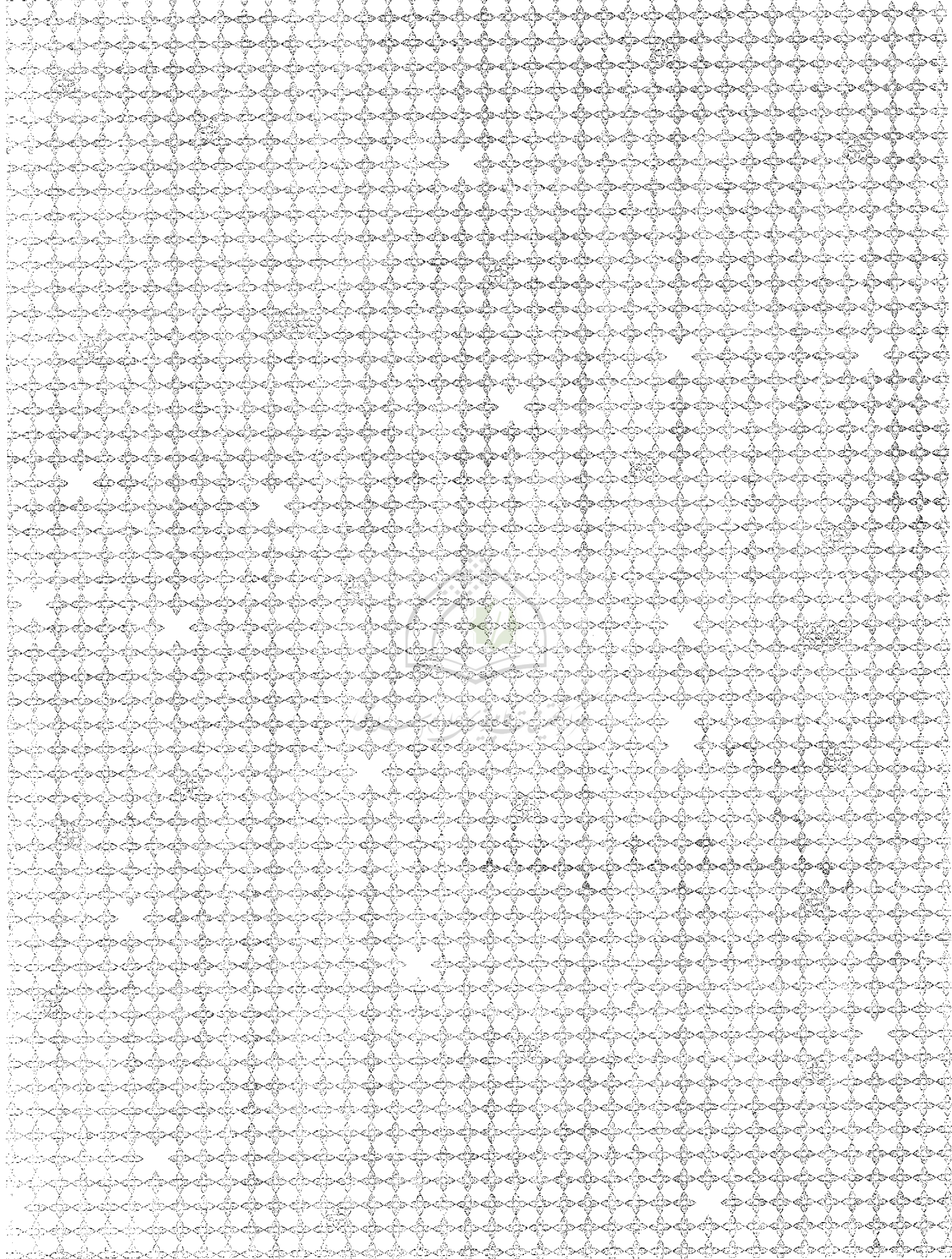


# اخبار علمی، فرهنگی

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



# از قم تا نجف اشرف\*

## گزارش یازده روز سفر علمی-زیارتی همکاران علمی

### مؤسسه کتاب شناسی شیعه به عتبات عالیات

#### فروردین ۱۳۸۸

#### سید جواد ورعی\*\*

من قم إلى النجف الأشرف  
تقرير عن زيارة وفد مؤسسة تراث الشيعة إلى  
العتبات المقدسة  
يقدم كاتب هذا المقال تقريراً مفصلاً عن الزيارة  
التي استغرقت أحد عشر يوماً لوفد من المجلس  
العلمي لمؤسسة تراث الشيعة إلى العتبات المقدسة  
في العراق في أوائل العام ۱۴۳۰ الهجري.  
نقرأ في بداية التقرير تعريفاً إجمالياً بأعضاء الوفد،  
ثم نطالع إضمامة من الخواطر عن بعض جوانب  
لقاءات الوفد مع المراجع العظام والشخصيات  
العلمية الحوزوية والجامعية. ويستعرض المقال  
بعد ذلك تفاصيل زيارة الوفد للحوزات العلمية  
في النجف الأشرف والمراكز العلمية الأخرى فيها  
من المكتبات ومراكز التحقيق والبحث والمراكز  
المنتمية بجمع النسخ الخطية وإحياء التراث  
الثقافي.  
في ختام التقرير يقدم الكاتب استعراضاً لمقتراحاته  
حول كيفية التعاون والتنسيق المطلوب بين  
الحوزات والمراكز العلمية التحقيقية في مدينتي قم  
والنجف الأشرف المقدستين.

**چکیده:** در این مقاله، نویسنده به ارائه گزارش  
مبسوطی از سفر علمی-زیارتی یازده روزه  
همکاران علمی مؤسسه کتاب شناسی شیعه به  
عتبات عالیات در فروردین ۱۳۸۸ می پردازد.  
در ابتدا، اعضای هیأت سفر را به صورت اجمالی  
معرفی کرده و سپس مطالبی را در خصوص  
ملاقات با مراجع عظام و شخصیت های علمی  
حوزوی و دانشگاهی مطرح می کند. گزارش  
بازدید از حوزه علمیه نجف و مراکز علمی  
دیگر، کتابخانه ها، مراکز تحقیقاتی و پژوهشی  
و نیز مراکز نگهداری نسخه های خطی و میراث  
فرهنگی، در این مقاله درج گردیده است. در  
انتهای گزارش پیشنهادهایی برای چگونگی  
همکاری میان حوزه ها و مراکز علمی تحقیقاتی  
قم و نجف ارائه شده است.

**کلیدواژه:** قم، حوزه علمیه، نجف، حوزه  
علمیه، شیعیان عراق، مؤسسه کتاب شناسی  
شیعه.

\*باتشکر از همسفران عزیز حجج اسلام حضرات آقایان:  
سبحانی، سروش محلاتی، طارمی، مختاری و معراجی  
که این نوشته را مطالعه کرده و نواقص آن را یادآور شدند.

\*اصل این سفرنامه نوشته حجة الاسلام آقای سید جواد  
ورعی، مفصل تر از این است. آنچه در پی می آید متن  
تلخیص شده به وسیله کتاب شیعه است.

در ماه رمضان ۱۴۲۹ ق برابر با شهریور سال ۱۳۸۷، صدیق عزیز، جناب حجة الاسلام آقای رضا مختاری از یک میهمانی برای افطاری در منزلشان خبر داد و این که با حضور جمعی از دوستان درباره سفر به عتبات عالیات تصمیم گیری خواهد شد. در منزل ایشان با چهره های آشنا و نا آشنا مواجه شدم، حضرات حجج اسلام و آقایان سید محمد رضا جلالی، محمد مهدی معراجی، محمد تقی سببانی، محمد سروش محلاتی، نجفعلی میرزایی، علی اکبر زمانی نژاد که هر کدام به نوعی با کتاب و کتابشناسی و پژوهش و تحقیق آشنا بودند، مدرس، محقق، کتابشناس و خلاصه همگی اهل علم و دانش. وجه مشترک افرادی که برای این سفر در نظر گرفته شده بودند، همکاری با «مؤسسه کتابشناسی شیعه» بود که با مسؤولیت آقای مختاری در سال های اخیر تأسیس شده و تهیه و تدوین دانشنامه آثار شیعه را پی گیری می کند.

پس از صرف افطار درباره اهداف و ابعاد سفر صحبت شد و مقرر گردید که علاوه بر زیارت عتبات عالیات، ملاقات با مراجع عظام و شخصیت های علمی حوزوی و دانشگاهی، بازدید از حوزات علمیه و مراکز علمی دیگر، کتابخانه ها، مراکز تحقیقاتی و پژوهشی، مراکز نگاهداری مخطوطات و میراث اسلامی در برنامه سفر گنجانده شود. پی گیری مقدمات سفر قاعدتاً بر عهده آقای مختاری و همکارانشان و نیز جناب آقای معراجی بود.

ماه ها گذشت و خبری از سفر نشد تا آن که بعد اللّیتا و اللّتی، صبح روز چهارشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۸۸ خبر دادند که صبح فردا پنج شنبه ۲۰ فروردین، ساعت ۷ صبح از فرودگاه بین المللی امام خمینی به سمت نجف پرواز خواهیم کرد.

### دیدار با حجة الاسلام سید جواد شهرستانی

به منظور آشنایی بیشتر با حوزه نجف و بهره مندی از تجربیات و آگاهی های حجة الاسلام و المسلمین شهرستانی نماینده و داماد آية الله سیستانی، که به عقل و درایت و بزرگواری شهره است و نیز برای تسهیل امور در عراق به دیدارشان رفتیم.

ایشان به حق معتقد بود که شما در این سفر تنها به دنبال آشنایی با حوزه نجف و فضا و مشکلات و تنگناهای آنجا باشید، چون نمی توان با شناختی که از حوزه علمیه قم دارید، از حوزه نجف انتظار تان را تنظیم کنید. اگر طرح یا پیشنهادی دارید باید منطبق با شرایط، مقتضیات و ظرفیت های حوزه نجف باشد، والا نتیجه ای نخواهد داشت و بی جهت ذهنیت منفی هم ایجاد خواهد کرد. به ویژه اگر وجود پاره ای از تعصبات را نیز در نظر آوریم.

آقای شهرستانی در ادامه با برشمردن پاره ای از خصوصیات آية الله سیستانی در جهت آشنایی بیشتر با نظریات ایشان راهکارهایی را ارائه کرد و از اعضای هیات خواست برای آشنایی آية الله

سیستانی با آنان، آثار و تألیفات خود را همراه داشته باشند. پر مطالعه بودن از ویژگی های آقای سیستانی است و هر اثری که برای ایشان برده شود، به نوعی مورد استفاده قرار می گیرد.

به عنوان شاهد، ماجرای را از مرحوم حجة الاسلام فردوسی پور نقل کردند که از چند جهت حائز اهمیت است. ماجرا از این قرار بوده که ابوالحسن بنی صدر که پیش از انقلاب به عراق سفر می کرد، در یکی از سفرهایش به آقای فردوسی پور می گوید: «در حوزه نجف خبری نیست، تنها کسی که قدری دارای فکر روشن است، آقای سید محمدباقر صدر است.»

آقای فردوسی پور نقل می کرد: از او خواستم که به دیدن آقای سیستانی هم برویم. او با اکراه پذیرفت و با هم نزد ایشان رفتیم. صحبت از «اقتصاد توحیدی» بنی صدر شد. آقای سیستانی ایرادهایی به نوشته او گرفت و او در مقام دفاع برآمد. این بحث و جدل حدود دو ساعت طول کشید و آخر الامر بنی صدر وجود بعضی اشتباهات را در این کتاب پذیرفت. موقع خدا حافظی به آقای سیستانی گفت: «من کتاب دیگری دارم که مایلم قبل از چاپ شما آن را مطالعه کنید» و آقای سیستانی پذیرفت. پس از مدتی که کتاب را برای ایشان فرستاد، آقای سیستانی از مطالعه قسمتی از این کتاب خیلی ناراحت شد. مضمون آن قسمت این بود که در صورت پیروزی نهضت مردم ایران، آقای خمینی و بقیه علما به سراغ کار خودشان می روند و مامملکت را اداره می کنیم!

آقای سیستانی این نوشته را همراه خود برداشته و به حضور امام خمینی می رود. چون آیه الله سیستانی به رغم آن که شاگرد آیه الله خوئی بود، با امام روابط خوبی داشت. به ایشان گفت: کسانی که اطراف شما را گرفته اند، چنین افرادی هستند. می خواهند شما را پللی قرار دهند برای رسیدن به قدرت. چطور شما به این ها اعتماد می کنید؟! امام به آقای سیستانی پاسخی داده بودند که خیلی جالب بود. فرمودند (قریب به این مضمون): «من او را می شناسم. از افکارش هم اطلاع دارم. الآن وقتی است که ما باید از همه نیروها بر علیه رژیم پهلوی استفاده کنیم. امیدوار هستم او نیز تازمان پیروزی اصلاح شود».

### اعضای هیأت

اعضای هیأت سفر عبارت بودند از آقایان حجج اسلام:

\* رضا مختاری محقق و پژوهشگر پر تلاش حوزه و مدیر «موسسه کتابشناسی شیعه» که توفیق احیای ده ها اثر از میراث فقه شیعه را پیدا کرده مانند: «آثار شهیدین»، غنا و موسیقی در چهار جلد قطور و رؤیت هلال در پنج جلد قطور، و نویسنده سیمای فرزندگان، جمع پریشان و ....

\* معراجی از فعالان و کتابشناسان پر تلاش حوزه، مدیر کتابخانه تخصصی حدیث و دست اندرکار برگزاری ده ها همایش علمی و بین المللی و معروف در میان دوستان و همسفران به «مرجع»

که مقلدان و مریدان بر گردش می چرخند!

\* محمد سروش محلاتی، مدرس درس خارج فقه و اصول حوزه و محقق در زمینه فقه حکومت و نویسنده آثاری مانند: دین و دولت در اندیشه اسلامی و ایمان، عقل و وحی و رساله ها و مقاله های علمی دیگر.

\* محمد تقی سبحانی، محقق و پژوهشگر در زمینه فلسفه و کلام، عضو هیأت مدیره دفتر تبلیغات اسلامی و رئیس سابق «پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی» و مرکز پژوهشهای صدا و سیما، مدیر مسئول آینه پژوهش و نقد و نظر و نگارنده کتاب هایی مثل: الگوی شخصیت زن در اسلام، نظام شخصیت زن در اسلام و مقالات چندی مانند: عقل گرایی در کلام اسلامی، و اسماء و صفات الهی از دیدگاه امام علی (علیه السلام).

\* حسن طارمی، معاون علمی دانشنامه جهان اسلام و دبیر علمی برخی از جشنواره های برگزار شده در جمهوری اسلامی مانند: جشنواره مطبوعات اسلامی و نویسنده آثاری مثل: زندگی نامه علامه مجلسی.

\* حسین واثقی، محقق، پژوهشگر و احیا کننده آثار خطی و نویسنده آثاری چون: حجة الوداع. ابوالفضل حافظیان، نسخه شناس و فهرست نویس نسخ خطی و از دست اندرکاران واحد فهرست نگاری کتابخانه های آية الله مرعشی و مجلس شورای اسلامی. و این جانب سید جواد ورعی.

شیخ گروه آقای طارمی و جوان ترین آنان آقای حافظیان اند.

آغاز سفر، روز پنج شنبه، بیستم فروردین

ساعت ۳:۴۵ بامداد آقای مختاری آمد و به همراه آقایان سروش و واثقی که منزلشان نزدیک بود، به سمت فرودگاه امام خمینی حرکت کردیم. آقایان معراجی، سبحانی و حافظیان نیز با وسیله دیگری عازم فرودگاه اند. آقای طارمی نیز که ساکن تهران است، از آن جا آمده بود. ساعت ۵:۳۰ به فرودگاه رسیدیم.

پس از کنترل گذرنامه ها و تشریفات خروج به سالن ترانزیت رفته و ساعت ۱۵:۰۶ نماز صبح را به امامت شیخ قافله، آقای طارمی، خواندیم و جلسه کوتاهی در نمازخانه برگزار شد. همگی توافق کردیم که در شهر نجف مستقر شده و برنامه های سفر را از آن جا آغاز و پی گیری نماییم، مدیر و امیر سفر نیز آقای مختاری باشد. ایشان هم مدیریت و امارت را به آقای معراجی سپرد.

هوایما (متعلق به هوایمایی ماهان) در ساعت ۱۵:۰۷ پرواز کرد. با آقای سروش در کنار هم در آخرین ردیف و دم هوایمان نشسته بودیم. برای صبحانه پذیرایی مفصلی در هوایما صورت





گرفت، بیش از مقدار متعارف روزانه! خلبان اطلاعاتی در اختیار مسافران گذاشت از آن جمله، هوای بیرون: ۵۶ درجه زیر صفر، هوای داخل: ۲۴ درجه بالای صفر؛ یعنی ۸۰ درجه تفاوت دما، و مدت پرواز: ۱ ساعت و ۲۵ دقیقه.

ساعت ۹ صبح به وقت تهران و ۷:۳۰ به وقت نجف وارد سالن فرودگاه نجف شدیم. ساعت ایران چون از ابتدای بهار یک ساعت به جلو برده شده، ۱ ساعت و نیم با ساعت عراق تفاوت دارد. ساعت را به همین مقدار عقب کشیده و با ساعت عراق تنظیم کردیم. گویا دو کاروان زیارتی در این پرواز حضور داشتند. تشریفات فرودگاه در مورد ما که سفرمان خارج از چارچوب کاروانی سازمان حج و زیارت بود، زودتر انجام شد.

### در نجف اشرف

شخصی به نام آقا نصیر از طرف حجة الاسلام آقای احسان جواهری، مسؤول «مؤسسه آل البيت» در نجف اشرف به فرودگاه آمده بود، ما را با تاکسی به بیرون فرودگاه هدایت کرد. گویا تاکسیرانی فرودگاه نجف در اختیار کویتی هاست که بهای گزافی از مسافران می گیرند، هر تاکسی مبلغ ۲۰ هزار دینار عراقی، حدود ۱۸ هزار تومان گرفتند. با تاکسی های دیگری تا محل اقامت که در خیابان شارع الرسول، نزدیک حرم مطهر علوی پیش بینی شده بود، رفتیم. روبروی خیابان شارع الرسول تارسیدن دوستان با تاکسی دیگر، قبر مطهر آية الله سيد علي بهشتی که با تابلویی توجّهمان را جلب کرده بود، زیارت کرده و فاتحه ای قرائت کردیم.

نجف از آغاز و قبل از هجرت شیخ طوسی به این شهر، مرکز اجتماع فقها و علما بوده، به طوری که عضدالدوله بویه (م ۳۷۲ هـ) هنگامی که به نجف آمد، اموالی را برای فقها و دیگران مقرر نمود که نشان از وجود فعالیت علمی در این شهر دارد. شیخ آقا بزرگ طهرانی بر این باور است که فعالیت علمی در جوار حرم شریف علوی به قبل از عصر شیخ بازمی گردد ولی با هجرت او حوزه و وضع درسی آن نظم و انتظامی پیدا کرد.

از شارع الرسول و کوچه پس کوچه های نجف به منزلی قدیمی وارد شدیم که بوی رطوبت شدیدی از آن به مشام می رسید. معلوم می شود که مردم در وضع نابهنجاری به سر می برند. برای ما که چند روزی قصد اقامت داشتیم و بسیار نزدیک به حرم بود، بسیار مطلوب بود.

بنابر استراحت شد، پس از اندی به همراه آقایان سروش و حافظیان به حرم مشرف شدیم. برایم خاطره زیارت چند سال قبل در زمان صدام تداعی شد ولی این بار آزاد و بدون مأمور و بدون مسؤولیت دیگران! به خاطر مسائل امنیتی چند مرتبه زائران را تفتیش می کردند. حرم علوی بسیار متفاوت از مرتبه قبل بود. از نظر نظم و انضباط، نظافت و تمیزی بسیار خوب و از متکدیان و دست فروشان در اطراف صحن شریف خبری نبود، آفتی که در سفر قبلی مشاهده کرده و بسیار از آن متأثر شده بودم.



یک ساعت به اذان ظهر باقیمانده بود که بیرون از حرم به آقایان طارمی و مختاری برخوردیم که عازم حرم مطهر بودند. گشتی در خیابان‌های اطراف حرم زدیم، بخصوص آقای سروش که سابقه سفر به نجف را نداشتند، علاقمند بودند تا با حرم و خیابان‌های اطراف آشنا شوند. به هنگام نماز ظهر و عصر به حرم بازگشتیم ولی از اقامه جماعت خبری نبود. تنها در گوشه‌ای از صحن به امامت یک روحانی کاروان ایرانیان نمازی برپا شده و تابیرون فرش‌ها ادامه پیدا کرده بود و حتی محل عبور و مرور زائران را گرفته بود. ناچار شدیم در بخش دیگری از صحن، پایین پای حضرت به نماز فرادی بایستیم. از این که در حرم علوی نماز جماعت مرتب و دائمی برپا نشده و نمی‌شود، بسیار متأسف شدم، لابد بسبب اختلاف و تفرقه میان زعمای قوم و علما و جریانات مختلف سیاسی است که حتی نماز جماعت در حرم علوی را تحت الشعاع قرار داده و زبان زائران عوام را هم به اعتراض گشوده است. و البته حق دارند. فقدان نماز جماعت دائمی در مکان مهمی چون حرم علوی در نجف اشرف، عاصمه تشیع هیچ توجیه منطقی و شرعی ندارد و آنان که سبب این اوضاع اند در پیشگاه خداوند و رسول خدا و ائمه هدی علیهم‌السلام عذری ندارند. آیا یک شخصیت مرضی الاطراف و وجود ندارد که همه جریانات بر او توافق نمایند و بیش از این آبروی شیعیان دستخوش آسیب نباشد و بهانه به دست دشمنان اسلام و تشیع نیفتد؟! آیا امامت جماعت هم شأنی و مقامی و موقعیتی دنیوی است که بر سر آن نزاع و کشمکش صورت گیرد و دشمنی‌ها بر خیزد؟! آیا امامت جماعت ارث است که از پدری به پسری برسد و برای یک خاندان حقّی ایجاد کند و ورثه بر سر آن اختلاف داشته باشند؟! زهی جای تأسف! امید است این محرومیت موقتی باشد و بنابر مصالح اهمی به صورت موقت از آن چشم پوشی شده باشد تا شاید گذر زمان از اختلافات بکاهد، دلها به هم نزدیک شوند، اهمیت مصالح امت اسلامی به درستی درک شود و منافع شخصی و گروهی و حزبی فدای مصالح عالیه امت اسلامی و جهان تشیع گردد.

پس از اقامه نماز به اقامتگاه برگشتیم، غذاهای متنوعی از هر کدام یک نمونه تهیه کرده بودند تا کیفیت غذاها شناسایی شده و برای دفعات دیگر غذای مناسب تر انتخاب شود. حتماً تدبیر آقای معراجی است که به حق در مدیریت و رتق و فتق امور سفر بسیار با تجربه و پخته عمل می‌کرد. خورشید بادمجان، عدس پلو و کشمش، گوشت، سالاد و...، کیفیت غذاها چندان مطلوب نیست، در عین حال پس از صرف غذا و شکرگزاری به درگاه الهی از توفیق تشریف به نجف اشرف، استراحت کرده و رفع خستگی شد. قرار شد عصر برای بازدید و زیارت مرقد علمای مدفون در نجف برویم. مرقد شریف شیخ طوسی از فقهای قرن پنجم در جامع طوسی، شیخ جعفر کاشف الغطاء و برخی از شخصیت‌های آل کاشف الغطاء، سید مهدی بحر العلوم و برخی از شخصیت‌های آل بحر العلوم که تعداد زیادی از آنان در عصر حاکمیت صدام، دیکتاتور بغداد به شهادت رسیده‌اند، را

زیارت کردیم. برخی از مراقد علما بازسازی شده، و برخی نیازمند بازسازی است.

از کتابخانه علامه شیخ عبدالحسین امینی که نزدیک اقامتگاه بود بازدید کردیم. کتب فراوانی را به صورت زیبا و منظم در چند طبقه در قفسه‌ها چیده‌اند، به علت کمبود وقت قرار شد در وقت مناسبتری از این کتابخانه بازدید کنیم. نماز مغرب و عشاء در مسجد طوسی به امامت یک روحانی ایرانی اقامه کردیم. معلوم شد که این مسجد مهم در جوار حرم شریف علوی هم شبها فاقد امام جماعت راتب است. مسجد را بازسازی کرده و در تعریض خیابان قدری کوچکتر شده است. پس از نماز به حرم مشرف شده و به رغم کم بودن وقت توفیق زیارت جامعه و دو رکعت نماز را پیدا کردم. به منزل بازگشتیم تا آماده حرکت به کربلا شده و زیارت حرم ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) را در شب جمعه درک نماییم. معمولاً شب‌های جمعه کربلا شلوغ می‌شود و افراد زیادی از شهرهای مختلف برای درک شب جمعه کربلا به این شهر سفر می‌کنند.

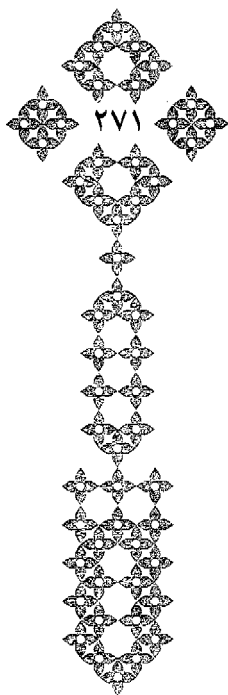
آقای شیخ احسان جواهری که پیشتر از او یاد کردم برای دیدارمان به محل اقامت آمد. روحانی بسیار خوش برخورد و -علی مائقل- آشنا با علما، بیوت و مراکز علمی نجف اشرف و شناخته شده؛ در طول سفر فهمیدیم بسیاری از برنامه‌های ماکه به صورت روان و بدون مشکل به اجرا در آمد، به خاطر تدبیر وی و برنامه‌ریزی و هماهنگی‌های قبلی او بوده است. جای تقدیر دارد.

#### به قصد زیارت کربلا

شب سوار بر دو خودروی شخصی عازم کربلا شدیم. در بین راه حداقل ده پست بازرسی (سیطره) وجود داشت و دوبار ویزاهای ما را گرفتند و بررسی کردند. ساعت ۴۵:۱۰ به محل مؤسسه آل البیت (علیه السلام) در کربلا رسیدیم. ساختمان نو ساز و خوبی در چند طبقه ساخته‌اند و در هر طبقه، دو واحد آپارتمانی با ظرفیت هفت، هشت نفر. جناب آقای حاج سید جواد شهرستانی در ایران نظرشان بر این بود که در کربلا مستقر شده و برای انجام امور به نجف یا کاظمین سفر کنیم که چندان مسافتی نیست. ولی به خاطر تراکم امور در نجف و بازرسی‌های فراوان در جاده‌ها که ایاب و ذهاب روزانه می‌توانست وقت زیادی از ما بگیرد، دوستان مصلحت دانستند که برای امور نجف، هر چند روز لازم است در نجف مستقر شوند، هر چند امکانات اقامتگاه نجف در مقایسه با کربلا بسیار کم و برق نیز در ساعات زیادی از شبانه‌روز قطع می‌شد.

با آقای دکتر شهرستانی، که مسؤول یک مؤسسه فرهنگی در کانادا است آشنا شدیم. اخیراً به انتشار نشریاتی اقدام کرده و به چهار زبان برای کودکان و بزرگسالان منتشر می‌کنند. بعد از آشنایی با اعضای سفر انتظار نگارش مقاله برای نشریات مؤسسه تحت مدیریت خود را داشت.

شام خوردیم و آماده حرکت به حرم شدیم، غسل زیارت و وضو و... یکی از مسؤولان مؤسسه در کربلا گفت: «به خاطر انفجارهای دوازده روز اخیر بغداد و کاظمین، حکومت نظامی است و



شما نمی توانید تا قبل از اذان صبح از این جا خارج شده، پیاده یا سواره به حرم بروید. اگر در محدوده اطراف حرم بودید که لازم نبود از خیابان ها عبور کنید، منعی برای رفتن به حرم نبود، اما اینجا خارج از محدوده اطراف حرم است. «همه دوستان از این خبر و تصمیم نابهنگام که همین امروز گرفته شده، مکدر شدند. تنها امیدمان زیارتی بود که به رغم خستگی سفر، ما را از نجف به کربلا کشانده تا شب جمعه را در حرم شریف حسینی بگذرانیم. به ناچار زیارتی از راه دور، از داخل اتاق که مشرف به حرم و روبه گنبد است، کرده و سلامی به محضر سالار شهیدان علیه السلام نمودیم. تنها مشکل اقامتگاه کربلا دوری آن از حرم است. طبیعی است که همه امتیازات یکجا جمع نمی شود. استراحت کردیم تا صبح عازم حرم شویم.

در عراق ده ها شبکه تلویزیونی ماهواره ای فعال است. آقایان معراجی و محمد تقی سبحانی که کم و بیش با شبکه های عربی آشنا بودند، اطلاعاتی از برخی شبکه ها و گرایشات و دست اندرکاران آن ها ارائه کردند. از برخی برنامه های جذاب و پر بیننده شمال آفریقا سخن می گفتند که توسط بعضی از جوانان روشنفکر جهان عرب اداره می شود و به هنگام پخش برخی از برنامه ها، خیابان ها خلوت می شود، شبیه پخش مسابقات مهم فوتبال در مملکت ما. به عنوان نمونه، آقای سبحانی از برنامه ای در یکی از شبکه های عربی گفت که با حضور کارشناسان و متخصصان رشته های مختلف مثل روانشناسی، جامعه شناسی، دینی و در جمع تعداد زیادی از جوانان با گرایشات مختلف از دختران با حجاب تا دختران بی حجاب و با پوشش نامناسب و پسران مذهبی تا پسران بی اعتقاد اجرا می شود. مجری برنامه نظر یکا یک آنان را نسبت به موضوعی مثل حجاب می پرسد، سپس از کارشناسان مختلف می خواهد از نقطه نظر کارشناسی خود درباره موضوع اظهار نظر کنند. مباحث مهم روز و مبتلا به رادر چنین برنامه هایی به بحث می گذارند.

### روز جمعه، ۲۱ فروردین

به علت خواب دیر هنگام شب گذشته، بعد از نماز صبح خوابیده و ۸ صبح بیدار شدیم.

پس از صبحانه آقای سروش روایتی از کامل الزیارات که همراه آورده بود، خواند که مایه روشنی چشم ما شد به خاطر محرومیت از زیارت دیشب. روایت چنین بود:

از امام صادق نقل شده:

«إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً مُوَكَّلِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، فَاذَا هَمَّ الرَّجُلُ بِزِيَارَتِهِ فَاغْتَسَلَ، نَادَاهُ مُحَمَّدٌ عليه السلام يَا وَفَدَ اللَّهُ! ابْشُرُوا بِمِرَافِقَتِي فِي الْجَنَّةِ...»

همه از شنیدن این حدیث که به مجرد اراده برای زیارت امام حسین علیه السلام و غسل کردن، پیامبر ندا می دهد که ای نمایندگان خدا! شمارا به همراهی و همنشینی من در بهشت بشارت باد، متعجب شدیم.



سپس بحثی فقهی پیش آمد که آیا غسل دیشب برای زیارت امام حسین علیه السلام کافی است که الآن می خواهیم به حرم مشرف شویم یا غسل دوباره لازم است؟ به رغم اظهار نظرهای مختلف؛ به نظر می رسد اگر نصی در این زمینه نباشد، تابع نظر عرف است که بگویند: آن غسل برای این زیارت انجام شده. بنابراین ظاهراً غسل دیشب برای زیارت امام حسین علیه السلام که دیشب توفیق آن پیدا نشد، برای زیارت صبح امروز کافی است. تا زمان حرکت به حرم بعضی از دوستان حکایت و ماجرای نقل کردند.

آقای معراجی ماجرای نخستین سفر حج خود را تعریف کرد که به عنوان روحانی کاروان می خواست به حج مشرف شود و خیلی خوشحال بود و برای خدا حافظی به حضور یکایک اساتیدش رفته بود. از جمله مرحوم حضرت آیه الله فاضل لنکرانی؛ ایشان پس از پرس و جواز چگونگی سفر وی، با آهنگ خاصی فرموده بود: «انصاف این است که روحانی کاروان حج بودن کار بسیار مزخرفی است!» البته پس از این مزاح، توصیه هایی به وی کرده و آرزوی قبولی حجش را نموده بودند.

آقای طارمی به مناسبتی ماجرای خانه ساختن یکی از اعلام را در قم نقل کرد که به همراه تنی چند از اساتید در کنار هم خانه می ساختند، وقتی امام خمینی مطلع شده بود، اعتراض کرده بود. سرانجام ساعت ۱۰:۳۰ به حرم حسینی مشرف شدیم و مقرر شد تا ساعت ۱۳:۳۰ پس از اقامه نماز جمعه مقابل باب القبلة تجمع کنیم. قبل از ورود به حرم چند مرتبه بازرسی بدنی می کنند، دوربین و تلفن همراه را باید به دفتر امانات سپرد. الحمد لله با تدابیری که اندیشیده اند امنیت مطلوبی در عراق به ویژه در دو شهر نجف و کربلا برقرار شده است. حال خوشی در حرم پیدا کردم، به نیابت از همه دوستان و آشنایان زیارت کردم. پس از زیارت حرم امام حسین علیه السلام و حرم حضرت عباس علیه السلام برای شرکت در نماز جمعه به صحن شریف بازگشتیم. خطیب جمعه حجة الاسلام شیخ عبدالمهدی کربلایی، نماینده آیه الله سیستانی خطبه های نسبتاً مفصلی ایراد کرد، دو خطبه یک ساعت طول کشید، برای زائران که بیشتر حاضران را در نماز جمعه تشکیل می دهد و ایرانی در بین آن ها خیلی زیاد است و نوعاً زبان عربی را متوجه نمی شوند، خسته کننده است. حتی برای ما که آشنا به زبان هستیم نیز خسته کننده بود، بخصوص که مطلب قابل توجه و نوری در اظهارات وی ندیدم. در خطبه دوم از ضرورت وحدت ملی در عراق و اتحاد احزاب و جریانات سیاسی سخن گفت و عملیات تروریستی دو روز گذشته در بغداد و کاظمین را محکوم کرد و تداوم این عملیات را دلیل دیگری بر ضرورت وحدت بیشتر در عراق دانست.

به مناسبت سالگرد شهادت آیه الله سید محمد باقر صدر و خواهرش بنت الهدی، از این شهیدان تجلیل نمود و بر تداوم راه آنان در دفاع از مردم کشور عراق و دین و مکتب تأکید کرد.



دیشب آقای سبحانی تعریف می کرد از طریق یکی از شبکه های تلویزیون زندان صدام را که در زیرزمین و به عمق بیش از سی متر احداث کرده و تنها یک روزنه برای تابش نور داشته، دیده است که خیلی دهشتناک بود. آن دو شهید بزرگوار در این زندان محبوس بودند. خدا رحمتشان کند. تا حدودی مجاهدات آنان در عراق به ثمر نشست، هر چند این کشور تحت اشغال است ولی ملت عراق به برکت خون شهیدانش و هوشیاری مرجعیت و روحانیت عراق و احزاب و گروه های جهادی و وحدت و اتحاد آنان از شر دیکتاتوری نجات یافته و انشاء الله به زودی از شر اشغالگران هم آزاد شود. ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر به منزل بازگشتیم.

### عناوین و القاب در عالم روحانیت

صحبت از عناوین و القاب در روحانیت به میان آمد که برخی در بند آیه الله و امثال آنند! نقل شده که طلبه ای از آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری پرسید: چرا در گذشته به کلینی «ثقة الاسلام»، به شفتی «حجت الاسلام» و به علامه حلی «آیه الله» می گفتند، ولی امروز اگر به یک طلبه «ثقة الاسلام» بگوییم ناراحت می شود؟ ایشان پاسخ داده بود: اگر با معیارهایی که به کلینی و شفتی و علامه این عناوین را می دادند، بخواهند به ما عناوین و القاب بدهند، باید فحش ناموسی بدهند!!

به راستی در گذشته عناوین به صورت حساب شده به کار می رفت. مگر عناوین «ثقة الاسلام» یا «حجت الاسلام» یا «آیه الله» عناوین کمی است؟ البته افراط و زیاده روی در به کار بردن عناوین و القاب اختصاص به روحانیت و جامعه ما ندارد، امروز در میان عرب ها با کمترین بهانه ای به برخی افراد «علامه» می گویند. اصلاً در به کار بردن الفاظ دقتی صورت نمی گیرد. در گذشته با یک «آفرین» دانش آموزان را تشویق می کردند، امروز با کوچک ترین بهانه ای هزار و سیصد آفرین به یک کودک می گویند و او چندان هم خوشحال نمی شود!

آقای مختاری می گفت: بعضی از علما استفاده از عنوان «آیه الله العظمی» را برای غیر معصوم خلاف احتیاط می دانند، چون این عنوان درباره معصوم به کار رفته است. وضع مرجعیت در حوزه ها و بعضی از تشریفات در این عرصه، آداب زیارت و سیره فقهای گذشته از جمله موضوعات مطرح شده در جمع دوستان بود. کرده و ساعت ۵ بعد از ظهر به نجف بازگردیم.

در گذشته عناوین حساب و کتاب داشت حتی سنگ قبری که بر علما می گذاشتند، خیلی دقیق و حساب شده و به دور از تشریفات و سخنان زائد بود مثل سنگ قبر مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری که حاج آقا مرتضی حائری گذاشت، بسیار صادقانه مخلصانه و درست؛ ولی امروز طوماری روی قبور نوشته می شود...!

پس از نقل خاطرات و حکایات در این موضوع، قدری هم در خصوص راه درمان صحبت شد که چه باید کرد و چگونه باید با این مشکل برخورد نمود؟ آقای طارمی معتقد بود که باید علما فکری





بکنند و جلوی این روند را بگیرند.

نظر من این بود که روحانیت باید خودش از این وضع انتقاد کند و آسیب شناسی نماید و الا این نکات منفی از سوی اقشار دیگر که درک می کنند، مطرح می شود، غالباً هم قصد خیرخواهی در کار نبوده و به قصد استهزاء گفته می شود، مثل: ماجرای نزاع یکی از روشنفکران بایکی از علمای قم که تا مدت ها نقل مجالس بود.

آقای سروش بر این باور بود که باید قبح این گونه امور به گونه ای در جامعه درآید و رواج پیدا کند که کسی جرأت نکند به دنبال آن ها برود.

به هر تقدیر مسأله مهمی است که در بعضی از اقشار به نوعی وجود دارد ولی در میان روحانیت خیلی زننده است. متقابلاً از وارستگی بعضی از علما نیز نمونه هایی نقل شد.

آقای سروش از قول آیه الله شبیری زنجانی نقل کرد که ایشان برخی سالها در تابستان به تبریز رفته و در خانه آقا میرزا عبدالله مجتهدی اقامت می کردند ولی ظهرها که با هم از منزل برای اقامه جماعت بیرون می رفتند، در بین راه از آقای مجتهدی جدا شده و به نماز آیه الله انگجی رفته و به ایشان اقتدا می کردند و در نماز آقای مجتهدی شرکت نمی کردند. آقای مجتهدی با آن که می دانست ولی بروز نمی داد و برایش تأثیری نداشت. آقای زنجانی این رفتار را نشانه سلامت نفس و بزرگواری آقای مجتهدی می دانست.

آقای سروش قصه دیگری هم نقل کرد که محرم به یزد رفته بودم. یک شب در روضه منزل حاج شیخ غلامرضا یزدی که از علمای قدیمی یزد بوده شرکت کردم. آقای منبر رفت، با آن که اهل منبر نیست در منبر می گفت: «چون حاج شیخ غلامرضا بر من حق دارد، سوابقی با هم داشتیم، وظیفه خود می دانم که در روضه منزل آن مرحوم شرکت و انجام وظیفه نمایم. بخش زیادی از منبر به بیان یک فرع فقهی گذشت. و این که مراجع تقلید این فرع را مطرح نکرده اند ولی نظر من این است و در رساله نوشته ام. چون بعضی از مقلدین در این مجلس حضور دارند، نظرم را می گویم. صدیق معظم آقای فاضل اجتهاد مرا تأیید کرده» و امثال این حرف ها. بعد از منبر یکی از علمای حاضر گفت: ندیده بودم تا به حال کسی برای مرجعیت خودش تبلیغ کند! حال شما عوارض این گونه رفتارها را در میان مردم که دست کم تعدادی از آن ها معنای آن ها را می فهمند، تصور کنید.

آقای سروش اضافه کرد: الآن افرادی هستند که حاضر نیستند حتی یک کلمه راجع به دیگران چیزی بگویند. آقای شبیری زنجانی در این زمینه خیلی اهل انصاف است. در درس به مناسبتی نظر آقای مطهری را در مسئله حجاب مطرح کرده و خیلی تجلیل کردند و دو نکته مهم را درباره ایشان گفتند. یکی این که، از نظر قدرت تفکر کم نظیر بود. دوم، به رغم آن که حوزه فعالیتش در دانشگاه و محافل روشنفکری بود ولی مجذوب آنان نشد و هویت روحانی و زی خود را حفظ کرد.



نقل این حکایات در بین دوستان به این معنا نبود که در عالم روحانیت این آفت فراگیر است، چه بسیار بزرگان و شخصیت‌های وارسته که هرگز در بند این توهمات نیستند، ولی وجود این آفت حتی به مقدار کم هم در حوزه‌ها و سازمان روحانیت دور از انتظار است.

### بازگشت به نجف

ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر جمعه از کربلا به نجف حرکت کردیم. به هنگام بازگشت در اتومبیل هیونداد جمع دوستان متفرقاتی از حکایات و ماجراهای تاریخی و سیاسی و اجتماعی مطرح شد تا وقت بگذرد.

آقای مختاری گفت: روزی فردی به آیه‌الله شبیری زنجانی مراجعه کرده و اجازه اجتهاد خواسته و گفته بود: آقای فلانی که به هر کسی اجازه اجتهاد نمی‌دهد، به من اجازه داده، شما هم بدهید. ایشان بعداً گفتند: کسی را که او می‌گفت به او اجازه داده، در کودنی و نفهمی کم نظیر است. یک روز هر چه تلاش کردیم مطلبی را به او بفهمانیم نمی‌فهمید.

شب هنگام به حرم مشرف شدیم و پس از بازگشت از حرم جلسه‌انسی با دوستان برگزار شد. آقای اسکندری رئیس کمیته امداد، شعبه عراق و نجف آمد و آقایان را برای شام فردا شب دعوت کرد. سفر دو روزه در جمع دوستان جمع‌بندی و برای جلسه با مراجع تبادل نظر شد که چه مباحثی را مطرح کنیم. از جمله موضوعات جالب توجه برای ما، نظریات ایشان درباره «حکومت دینی و نقش فقه»، «کتابشناسی شیعه» که مؤسسه آقای مختاری و دوستانشان عهده‌دار تدوین آن است و «معرفی مؤسسات پژوهشی حوزه علمیه قم».

### روز شنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۸

برای اقامه نماز صبح و زیارت توفیق تشریف به حرم پیدا کردم، نزدیکی محل اقامت به حرم شریف باعث شده که این توفیق را پیدا کنیم. به هنگام صبحانه نیز مطالب متفرقی بین دوستان مطرح شد. موضوع پیش آمده تعبیر خواب افرادی مثل مرحوم حاج آقای مهدی روحانی و اخوی‌اش بود. آقای معراجی نیز از خوابی که دیده بود گفت و اینکه برای تعبیر به صورت جداگانه نزد این دو برادر رفته و آن‌ها به صورت یکسان تعبیر کرده‌اند و آن این بود که «مراقب باش بیوت مراجع برای خوابی دیده‌اند!»

### دیدار از کتابخانه حرم حضرت امیر المؤمنین (ع)

برنامه دیدارها از امروز شروع می‌شد. صبح بعد از صبحانه برای بازدید به کتابخانه حیدریه حرم شریف علوی رفتیم. کتابخانه روضه حیدری (با خزانه غروی و علوی یا کتابخانه علوی و حیدری) در قرن چهارم هجری به وسیله عضدالدوله دیلمی تأسیس شد و از آن زمان تاکنون مورد

توجه شخصیت‌های علمی و اجتماعی متعددی بوده است. این کتابخانه نزد عموم مسلمانان به ویژه پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام جایگاه خاصی دارد. چراکه از ویژگی همجواری با مرقد مطهر امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و حوزه علمیه نجف اشرف برخوردار است. از همین روست که بسیاری از علما کتب خطی خود را، به این کتابخانه اهداء می‌کردند و بعضی از امراکتب فراوانی را می‌خریدند و به این کتابخانه هدیه می‌نمودند که برخی شمار کتب این کتابخانه را تا چهارصد هزار نسخه گفته‌اند. ولی متأسفانه در گذر زمان به دلیل سهل‌انگاری، بسیاری از آن‌ها تلف شده و یا به سرقت رفته و جز تعداد کمی از آن‌ها باقی نمانده است.

حجة الاسلام آقای سید هاشم میلانی رئیس کتابخانه با روی باز از هیأت استقبال کرد. از بخش‌های مختلف بازدید کرده و در جریان توسعه کتابخانه و زحماتی که در طی سالهای اخیر برای ساماندهی آن کشیده شده قرار گرفتیم. می‌گفت: به همت مرحوم شیخ فارس حسون و آقای سید جواد شهرستانی کتابخانه‌های حرم‌های شریف احیاء شده است. کتاب‌های این کتابخانه از ۱۰ هزار به ۷۰ هزار نسخه رسیده است. ۷۰۰ نسخه خطی دارد که فهرست آن‌ها در سایت کتابخانه موجود است. ۵۵۰ نسخه قرآن در بین آن‌ها بود. از این که برخی از نسخ خطی در فهرست نسخ خطی موجود است، ولی در کتابخانه نیست، اظهار تأسف می‌کرد. کتب نفیس زیادی از دست رفته است. در میان قرآن‌ها، قرآنی به خط امام علی علیه‌السلام منتسب است. تصویر برداری از نسخ شروع شده تا در آینده روی سایت قرار گیرد.

هدف از احیای کتابخانه‌های عتبات، اقناع فرهنگی جوانان شیعه است که در سی، چهل سال اخیر فقر فرهنگی بر آنان حاکم بوده، چون تعمّد زیادی بر نابودی مظاهر تشیع در این سرزمین بوده و هنوز هم هست.

سری هم به مؤسسه کاشف الغطاء زدیم. قرار شد در فرصتی دیگر در روزهای آینده رسماً از این مؤسسه بازدید کنیم.

### دیدار با یکی از اعظام حوزه

بنا بود که ساعت ۱۱ صبح به دیدار یکی از اعظام حوزه نجف برویم. با آن‌که از سرک‌وچه تابیت ایشان انبوهی از مأموران امنیتی ایستاده بودند ولی با راهنمایی یکی از روحانیان بیت بدون هرگونه بازرسی و تنها توصیه به خاموش کردن تلفن همراه وارد بیت ایشان شده و با چای از مراجعان پذیرایی کردند. پس از چند دقیقه خدمتشان رسیدیم. از جای برخاسته و با یکایک دوستان مصافحه و معانقه کردند. آقای معراجی دوستان را یکی یکی معرفی کردند. بنا بود که هر کدام اهم آثار و تألیفات را برای ایشان هدیه ببریم. پس از معرفی، ایشان از نوشته‌هایمان سؤال کردند، آثار آقای مختاری مثل: تألیفات شهیدین، میراث فقهی شیعه (غنا و رؤیت هلال) را قبلاً دیده بودند،

زیاد پرس و جو نکردند. از کثرت مطالعات خودشان گفتند، در عین حال به خاطر کهولت سن و مشاغل دیگر، نمی‌توانند همه آثار رسیده را کاملاً مطالعه کنند.

پس از ملاحظه آثار اینجانب مثل حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان، اندیشه سیاسی نائینی و مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی، شخصیت نائینی توجه ایشان را به خود جلب کرد و پرسیدند: «چرا به نگارش این کتاب اقدام کردید و در نائینی چه خصوصیتی را دیدید که به پژوهش درباره اندیشه او پرداختید؟ چه ضرورتی ایجاب کرد که این کار را کردید؟»

مختصری از فضای سیاسی چند سال پیش ایران گفتم که بعضی از جریانات سیاسی در صدد بودند که در برابر امام خمینی و نظریه ولایت فقیه، از کتاب تنبیه الأئمة نوشته نائینی سوء استفاده کرده و او را طرفدار حکومت عرفی و مخالف ولایت فقیه معرفی کنند. هدف من دفاع از شخصیت فقهی نائینی بود و این که او نیز معتقد به ولایت فقیه بود، ولی از روی ناچاری و به عنوان تنها نظام مقدور در آن شرایط از مشروطه دفاع کرد.

ایشان در ادامه دو نکته مهم و آموزنده را یادآور شدند:

اول آن که، آثار فقهی نائینی در دسترس است و کسی نمی‌تواند مطلب نادرستی به وی نسبت دهد، دوم آن که، نائینی علی‌رغم خدماتی که در فقه و اصول انجام داده، در اجرای مشروطه مثل برخی علمای فریب خورده، چون آن چه در عمل اتفاق افتاد غیر از آن چیزی بود که ایشان از آن دفاع کردند. صورت ذهنی علمای نجف از ایران با واقعیت تفاوت می‌کرد. آقایان می‌خواستند با حلال و حرام در این گونه امور وارد شوند. مانوکر امام زمانیم. شخصیت‌ها علی‌رغم خدمات زیادشان اشتباه هم مرتکب می‌شوند. در ضمن یادآور شدند در تاریخ آنچه نوشته شده واقعیت تاریخی نیست، قوای محرکه تاریخی را کسی نمی‌نویسد.

سپس از آثار و تألیفات آقای واثقی پرسیدند و نکاتی تاریخی را در آن زمینه یادآور شدند. ولی به مناسبتی وارد بحث «ارث زوج» شده و نظریه «ارث زوج» از قیمت عرصه، علاوه بر ارث بری او از اعیانی «که به تازگی در مجلس شورای اسلامی تصویب شده بود را به صورت تلویحی مورد نقد قرار دادند و معتقد بودند نظر مشهور فقها باید ملاک قانونگذاری باشد. و بر آن چه که برخی از علمای ایران گفته بودند که مسئله محرومیت زن از زمین در ارث بعد از زمان امام صادق علیه السلام آغاز شده، خرده گرفتند که این مسأله قدیمی است و به زمان قبل از عبدالملک مروان می‌رسد. عمر بن عبدالعزیز که ردّ مظالم کرد، به زنان خلفای سابق هم که حقوقی داد، اقطاع خلفای پیشین را برنگرداند. رسم همگانی از صدر اسلام این بود که زنان از اقطاع و خانه‌ها و باغات ارث نمی‌بردند. در قرن اول که سلاطین زنان جوان را می‌گرفتند، هیچ‌گاه از باغها و خانه‌هایشان به آن‌ها ارث نمی‌دادند.

ایشان تحلیلشان این بود که در ایران ابتداء روشنفکران مطلبی را می‌گویند، سپس در حوزه‌ها

بعضی از علما به دنبال مدرک شرعی برای گفته آنان می‌گردند. همین مسأله را چند سال قبل یکی از اساتید دانشگاه مطرح کرد، در حالی که حوزه و روحانیت باید مستقل باشند، نباید دنباله رو باشند. همین امروز در قانون فرانسه زوجین در قانون ارث، در طبقه چهارم قرار دارند. ما می‌خواهیم متجدد شویم، اول از تساوی حقوق زن و مرد حرف می‌زنیم در حالی که در اروپا که مهد این حرف‌هاست، تا ۶۰ سال قبل به زنها مدرک تحصیلی نمی‌دادند و آن‌ها را استخدام نمی‌کردند.

سپس آقای سروش آثار خود را با عناوین دین و دولت در اندیشه اسلامی و عقل و ایمان معرفی کردند. ایشان از اینکه در ایران تا این اندازه به مباحث سیاسی اهمیت داده می‌شود اظهار شگفتی کرده و اظهار داشتند: مباحث علمی در ایران حتی در کتاب‌های فلسفی، آخرش به دین و دولت ختم می‌شود.

معتقد بودند: مسأله ولایت فقیه بحثی است که در کتب فقهی گفته و نوشته شده و بحثی در آن نیست؛ ولی از اینکه در ایران در این زمینه افراط می‌شود به طوری که به یک فقیه اجازه نمی‌دهند که در درس خارج خود این بحث را مطرح کند و احیاناً به نتیجه متفاوتی برسد، گله داشتند. (به ماجرای مرحوم آیه‌الله فلسفی در مشهد اشاره داشتند.)

بر این باور بودند که در عراق به غیر از روشی که در پیش گرفته شد، راه دیگری نبود. در کشوری که بیست درصد مردم گردند و با اهل طریقت ارتباط دارند، اهل سنت در طی قرون متمادی بر آن مسلط بودند، مردم در طول ۳۵ سال به تعالیم بعثی‌ها تربیت شده و آلفی از علما و شیعیان کشته شدند، در چنین شرایطی چگونه باید عمل می‌شد؟ امریکایی‌ها آمدند و می‌خواستند قانون اساسی بنویسند، نوشته شد: «باید قانون اساسی به قلم عراقی‌ها و با روح عراقی نوشته شود و نویسندگان آن منتخب مردم باشند، چون مذهب اکثریت اسلام است. باید ثوابت اسلام در قانون اساسی رعایت شود و این امر متوقف بر برگزاری انتخابات آزاد است». امریکایی‌ها به شدت مخالف بودند، یک سال «ان قلت و قلت» شد تا انتخابات را برگزار نکنند؛ ولی مجبور شدند برگزار کنند. هر کس جایگاه و مقامی دارد. امام تازمانی که آیه‌الله بروجرودی در قید حیات بودند، سکوت محض کردند و به صورت مخفیانه نامه به آیه‌الله بهبهانی نوشتند. باید ملاحظه شرایط را کرد. با این روش در عراق حقوق شیعه استنفاذ شد. سابقاً می‌گفتند: تنها مردم نجف و کربلا شیعه هستند، حتی در اطراف این دو شهر هم اکثریت با شیعه نیست؛ ولی با پافشاری بر این راه ثابت شد که حتی اکثریت مردم بغداد هم شیعه هستند.

سعی شد قانونی که برای همه عراقی‌ها باشد، تدوین شود و برای این منظور روی عادات و عرف جامعه عراق تأکید شد. حکم شد که شرکت در انتخابات برای همگان از زن و مرد، عالم و جاهل، پیر و جوان واجب است، افراد بیمار در حالی که دستشان می‌لرزید در پای صندوق حاضر شدند و رأی دادند.

آقای سروش در خصوص علت عدم انتشار آثار علمی شان پرسید، ایشان پاسخ دادند: زمان این حرف ها گذشته، الآن به آثار چاپ شده مراجعه نمی شود! چه لزومی به انتشار آثار جدید هست؟ وقتی گفته شد: «اهلش مراجعه می کنند، مثلاً میرزای شیرازی که آثارش منتشر نشده، امروز مورد تأسف است»، اظهار داشتند: آن چه باعث شد میرزا از انتشار آثارش امتناع، تثبیت مکتب شیخ انصاری بود. چون علمایی مثل نهاوندی، صاحب تشریح الاصول و شیخ هادی تهرانی هر کدام مبانی ای داشتند و عده ای می خواستند مبانی شیخ تثبیت نشود، ولی میرزا چون مبانی اش با شیخ متفاوت بود از انتشار آن ها خودداری کرد. برای مثال در مورد دلیل انسداد سه ماه بحث کرد، باز هم بر مبانی خود استوار ماند. بار دیگر بحث کرد که شاید ما به واقع نرسیده باشیم، این بار به نتایجی رسید که شیخ رسیده بود. سجده شکر بجا آورد که با شیخ مخالفت نکرده است. میرزای شیرازی می خواست حوزه تثبیت شود. البته برخی دیگر هم مثل ایروانی نظریات و آثار شیخ را سطر به سطر نقد کردند. آن چه در گذشته گفته و نوشته ام در گذر زمان تغییر کرده و نظریاتم عوض شده است.

در بخش دیگری از سخنانشان از این که در حوزه علمیه قم عده ای از تحول جوهری و فقه پویا با مبالغه سخن می گویند، انتقاد کرده و گفتند: شما چرا درباره قانون اساسی و ولایت فقیه حاضر نیستید تحولی ایجاد کنید؟ بدیهی است، چون مملکت است، نمی شود هر روز کسی حرفی بزند و اساس مملکت را بر هم بریزد، درباره حوزه و فقه نیز باید چنین احساسی داشته باشید. مدتها می گفتید که دانشگاه را به حوزه تبدیل کنیم، ولی امروز حوزه ها به دانشگاه تبدیل شده!

وقت ما تمام شده بود، آقازاده گاهی به داخل اتاق می آمد تا پایان وقت را گوشزد کند، ولی ما تقصیری نداشتیم، آیه الله با علاقه و اشتیاق سخن می گفت و به نظر می رسید که داعی داشت تا مطالبی را به ما یادآور شود، هر چند پرسش ما نباشد.

آقای طارمی نظرایشان را درباره دانشنامه جهان اسلام پرسید، ابتدا از اظهار نظر اجتناب کردند ولی در ادامه پرسیدند: «چرا دانشنامه را با حرف «باء» شروع کردید؟» آقای طارمی توجیه غیر مقنعی کرد مبنی بر این که چون دائرة المعارف بزرگ اسلامی از حرف «الف» شروع کرده و آن را منتشر نموده بود، ما تصمیم گرفتیم فعلاً از حرف «باء» شروع کنیم و نگارش حرف «الف» را به پایان موکول نماییم!

ولی این ایراد بهانه ای شد برای این که ایشان نقدهای دیگری در عرصه های گوناگون مطرح کنند و به شوخی به آقای طارمی گفتند: «نکند شما خط داده اید که کارها را در ایران از حرف «باء» شروع کند!» مثال هایی برای این منظور زدند از آن جمله:

\* اهل منبر در ایران به جای گفتن اولیات به مردم مثل نکات اخلاقی که مورد ابتلای آن هاست مثل: دروغ نگفتن، رشوه نگرفتن و تهمت نزدن در انتخابات، از مقام قرب الهی و فناء فی الله و امثال آن می گویند، در حالی که برای جامعه ای که گرفتار مسائل ابتدایی است، نباید چنین مطالبی

گفت . به جامعه‌ای که گرفتار چنین آفات اخلاقی است ، باید مطالبی گفت که به دردش بخورد .

ملاقات یک ساعت و بیست دقیقه طول کشید . دقایقی هم ایشان ایستاده سخن گفتند . از جمله این‌که «بنایم تنقیص و ایرادگیری نبود ، برای همه آقایان دعا می‌کنم ، غرض این بود که لحظاتی با شما عزیزان گفتگو کرده باشیم ، عفو بفرمایید .» با بدرقه آیه‌الله خداحافظی کرده و از آیه‌الله زاده نیز تشکر نموده و عازم منزل شیخ باقر شریف القرشی شدیم که برای ناهار دعوت کرده بود .

### ضیافت ناهار استاد باقر شریف القرشی

قدری دیر رسیدیم ، پیر مرد بزرگوار برای استقبال به کوچه آمد و با یکایک دوستان مصافحه و معانقه کرد و بسیار اظهار خشنودی نمود . سفره مفصلی انداخته و تدارک زیادی دیده بود . گویا میهمانان عزیزی بر او وارد شده بودند .

با آقای معراجی بسیار مأنوس بود و این پذیرایی ویژه را به پاس آشنایی دیرینه با ایشان و قدردانی از زحماتی که آقای معراجی برای انتشار آثار وی و خدماتی که برای این مرد خدوم خاندان آل محمد ﷺ کشیده ، تدارک دیده بود .

پسری هفت ، هشت ساله که نوه ایشان بود ، آمد و شعری در وصف امام علی ﷺ خواند و همه به او آفرین گفتند .

ظهر به منزل برگشته و قدری استراحت کردیم .

### دیدار با آیه‌الله فیاض

بعد از ظهر با آیه‌الله فیاض ملاقات کردیم . وی از شاگردان آیه‌الله خویی و مقرر درس وی بود . اینک در شمار مراجع قرار دارد . افغانی ، سرزنده و سر حال است . به قانون «ارث زوجه از زمین» مصوب مجلس شورای اسلامی معترض بود . از نظر ایشان فتوای مشهور معتبر و صحیح است .

البته از نظر مبنایی معتقد بودند که احوال شخصیه را نباید به صورت قانون در آورد و هر کسی می‌تواند در این زمینه مقلد مرجع خود باشد . وقتی از ایشان سؤال شد : «دادگاه بر چه اساسی باید در چنین مواردی حکم کند؟ بالاخره باید بر اساس یک قانون دآوری کند ، بر اساس نظر کدام مرجع حکم نماید؟» پاسخ قانع کننده‌ای نشنیدیم . قدری از عوارض قانونی شدن این فتوا که جدید است و با فتوای مشهور فقها از زمان شیخ طوسی تاکنون تفاوت دارد ، سخن گفت . مثل این‌که : برخی از شبکه‌های سعودی گفتند : الحمد لله ، شیعه‌ها بعد از ۱۴۰۰ سال فهمیدند که زن را از ارث محروم کرده بودند .

در ادامه افزودند : «چنین کارهایی به شیعه لطمه می‌زند . در خصوص نشر تشیع از ایران انتظار زیادی می‌رود . چند سال قبل در مکه از آقای تسخیری پرسیدم که ۲۴ سال از انقلاب ایران می‌گذرد ، شما برای نشر تشیع چه کرده‌اید؟ وهابیت هر کاری می‌خواهد می‌کند . ۳۵ سال قبل در پاکستان

یک وهابی نبود، اما امروز آنقدر قدرت دارند که شیعیان را در مساجدشان ترور می کنند. پاکستان از انقلاب ایران خیلی استقبال کرد ولی ایران نتوانست آن گونه که شایسته بود از این فرصت استفاده کند. ضیاء الحق که یک سنی متدین بود، به قدرت رسید و دروازه کشور را به روی سعودی ها باز کرد و وهابیت با قدرت وارد شد و خانه و دانشگاه و مدرسه و درمانگاه ساخت و پول خرج کرد و مردم را به خود جلب کرد. ولی ایران خرج احزاب می کند که هیچ فایده ای ندارد. معتقد بود که باید خدماتی مثل احداث مدرسه و دانشگاه و بیمارستان و درمانگاه انجام داد تا توجه مردم را به خود جلب کند و بماند. وهابیت از این راه وارد شد، هزاران مدرسه ساخت و وهابیان را به افغانستان فرستاد.

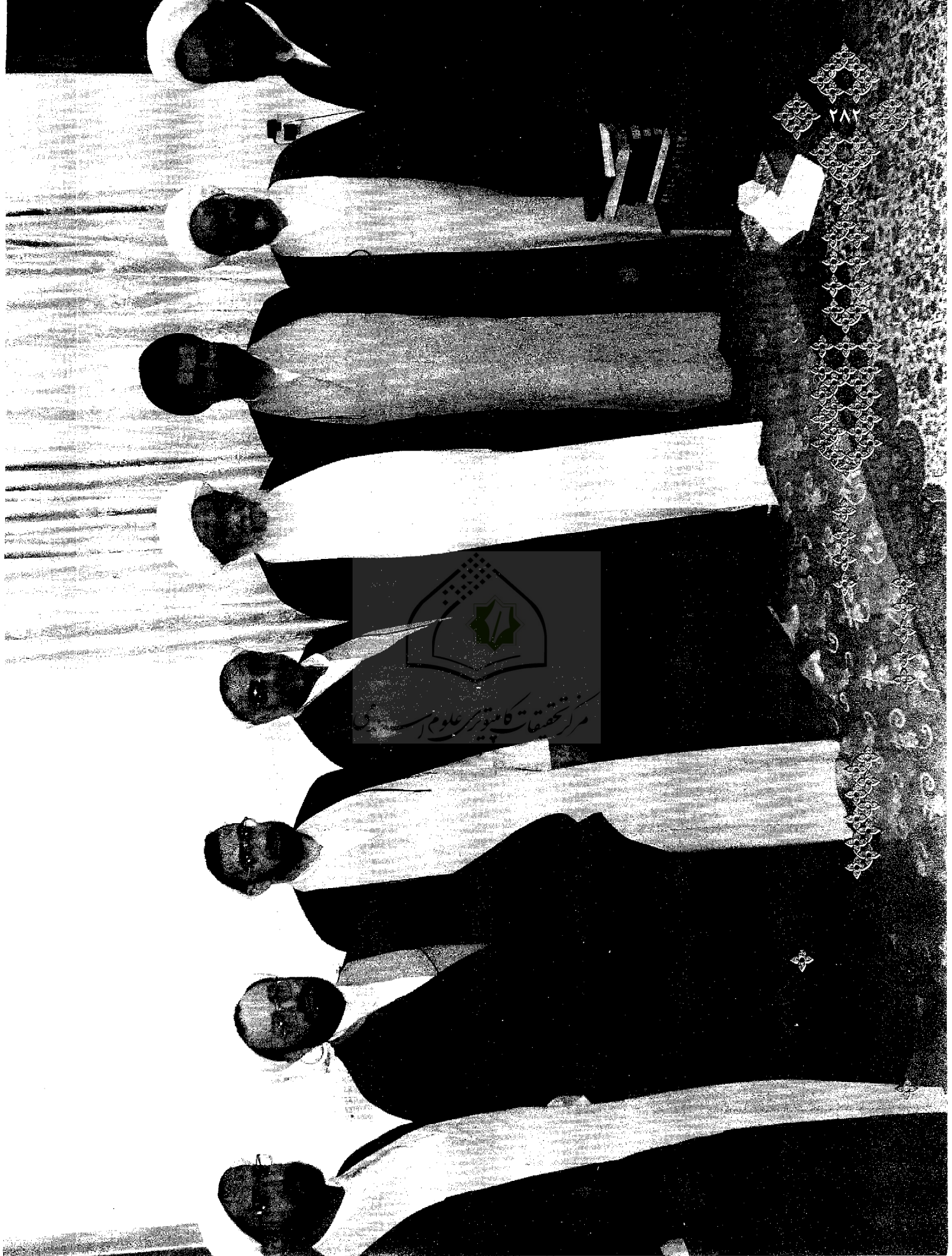
شبکه های تلویزیونی ایران باید فرهنگی باشد نه سیاسی، از بعد فرهنگی می توان در میان ملت ها نفوذ کرد. من به آقای خرازی پیشنهاد کردم که ایران یک کانال مستقل فرهنگی درست کند مثل الجزیره که در حقیقت وهابی است ولی خودش را کاملاً مستقل نشان می دهد. امیدها به ایران است چون تنها حکومتی است که بر اساس ولایت امیر المؤمنین (علیه السلام) تأسیس شده است. شما باید شیعیان را جمع کنید، هزاران شهید شیعه افغانی در جنگ حضور داشتند. ولی شما با آنان چه کردید؟ در زمان پیروزی انقلاب چه تجلیلی از یاسر عرفات کردیم و حالا از حماس؛ در حالی که برخی از آنها صدام را «بطل شهید» نامیدند و سه روز عزای عمومی اعلام کردند!»

وی خواهان توجه بیش از پیش ایران به شیعیان بود. در عین حال از رفتارهای تفرقه انگیز بر علیه اهل سنت گلایه داشت و معتقد بود که رفتارهایی که جنبه اعتقادی ندارد به شیعیان لطمه وارد می کند. امروز در ایران در یک گوشه ای برخی را لعن می کنند و در افغانستان شیعیان را می کشند. امروز همه چیز به هم مربوط است. جمعیتی که هدفشان ائتلاف بین شیعه و سنی است، معترض بودند که شیعه برخی را لعن می کند. گفتم: لعن را اول بنی امیه شروع کردند، سالها بنی امیه علی (علیه السلام) را بر بالای منابر لعن کردند. چرا آنها را تکفیر نمی کنید ولی شیعه را به خاطر لعن تکفیر می کنید؟ به هر حال، امروز این رفتارها به ضرر شیعه است و باید ترک شود.

ایشان شمه ای هم علیه فلسفه و کتب آنها گفت، و تصریح کرد که فلسفه قدیم اثری ندارد و اکثرش خیالی است، مباحث عمومی اش مثل وجود و اعراض غالباً خیالی است مثل: عقول عشره و طبقات عالم و افلاک که مسخره است.

تنها اصول فلسفه آقای طباطبایی و فلسفتنا تألیف شهید صدر را استثنا کرد. قدری هم در مخالفت با فلسفه صدرایی سخن گفتند و ضمن خوب دانستن فلسفتنا اثر شهید صدر و اصول فلسفه و روش رئالیسم اثر علامه طباطبایی و شهید مطهری، مطالب اسفار را بافتنی شمرد.

برای آن که فضای بحث را تغییر دهم که فقط انتقاد از جمهوری اسلامی بود و البته بسیاری از آنها هم قابل بحث؛ پرسیدم: گفته می شود که سکولارها در افغانستان بسیار فعالند و به مذهبی ها



میدان نمی دهند، شما از این وضع نگران نیستند؟ گفتند: «چرا نگرانیم. طبیعی است وقتی فضا را برای آن ها خالی کنند، آن ها هم استفاده نمایند، اگر با طلایی که در قم مشغول تحصیل اند، ارتباط دارید بگویید: چرا در ایران جمع شده اند و به افغانستان نمی روند؟ کوتاهی آن ها در این زمینه باعث شده که سکولارها میدان داری کنند. تشویق کنید بروند، مردم افغان به گونه ای هستند که اگر آخوند خوب ببینند، دست و پای او را می بوسند».

### دیدار با آیه الله سید محمد مهدی خراسان

شب هنگام به دیدار محقق شهیر، استاد سید محمد مهدی خراسان رفتیم. در بستر بیماری بود ولی با نشاط و سر حال. ضمن خوشامدگویی مقداری درد دل کرد. از این که ما مسلمانان اهل کار نیستیم، گلایه داشت. این که غربی ها به عنوان خاورشناس، ولی در واقع جاسوس، به کشورهای اسلامی رفت و آمد نموده و برای پنجاه سال بعد آنان نقشه می کشند، ولی افراد مستعد ما به اروپا می روند تا مدرک بگیرند و قوانین غربی را جایگزین قوانین اسلامی کنند، اظهار تأسف می کرد. معتقد بود که خاورمیانه هم چنان تحت نفوذ استعمارگران قرار دارد.

از بعضی رفتارها در مراسم بزرگداشت ائمه علیهم السلام مثل کف زدن گله مند بود. در بخش دیگری از سخنانش تجلیل از مفاخر علمی را ستود و تأکید کرد که برای هر شخصیتی باید به مقدار خودش بها داد، نه بیشتر و نه کمتر، زیاده روی نباید کرد. مثلاً از حاجی نوری نام برد که به سبب نگارش فصل الخطاب، بقیه آثارش هم متروک شده، در حالی که اگر کسی اشتباهی کرد، نباید بقیه آثار خوبش فراموش شود. کتاب لؤلؤ و مرجان او که مورد ستایش استاد مطهری قرار گرفته، کتاب ارزشمندی است. غیر از معصوم همه دچار خطا می شوند.

وی در بخش دیگری از سخنانش از اهل علم خواست نسخ ارزشمندی را که در اختیار دارند، برای احیا به اهلش بسپارند. لا اقل عکس آن را در اختیار محققان قرار دهند. امروزه منع علم و دانش معنا ندارد. علم در انحصار کسی نیست.

شب میهمان آقای اسکندری مسؤول کمیته امداد امام خمینی در عراق بودیم. به مطعمی که وعده داده بودند، رفتیم. آقای دکتر حسن عیسی حکیم، از اساتید دانشگاه کوفه و متخصص در تاریخ، و شاعری از شعرای نجف نیز دعوت بودند. آقای اسکندری هم میهمانانی از ایران داشت که از مسؤولان کمیته امداد امام در ایران بودند.

آقای سبحانی با دکتر حکیم آشنا بود. قبل از شام و بعد از آن قدری از «ضرورت تعامل حوزه نجف و حوزه قم» صحبت شد. آنان از سفر این هیأت خیلی خوشحال به نظر می رسیدند. شاعر یاد شده بعد از شام دقایقی صحبت کرد خیلی حماسی و درخواست از این که حوزه نجف نیازمند وارد کردن شوک الکتریکی است تا مجد و عظمت گذشته آن اعاده گردد.

توفیق پیدا کردم برای اقامه نماز صبح به حرم شریف علوی مشرف شوم. بعد از نماز و زیارت، یک جزء قرآن تلاوت کردم.

پس از بازگشت به منزل تصمیم گرفتم حمام بروم چون در شبانه روز ساعت ها برق قطع می شود و حمام منزل نیز در سردابی تاریک قرار دارد، امکان حمام رفتن در ساعات قطعی برق نیست. لباسها را جمع کرده و به سرداب رفتم هنوز لباس از تن نگرفته بودم که صدای در را شنیدم. چون دوستان همه خواب بودند، برای آن که دوستی که از حرم برگشته پشت درنماند، بالا آمده و در را گشودم. آقای مختاری بود. مجدداً به سرداب رفتم، هنوز دوش حمام را باز نکرده، برق رفت. تاریکی مطلق. لحظاتی صبر کردم شاید چشمانم به تاریکی عادت کند یا نوری از روزنه ای بتابد و بتوانم استحمام کنم. ولی فایده ای نداشت. مجبور شدم به زحمت لباس هایم را بپوشم و پاورچین پاورچین از سرداب خارج شوم. وقتی برای دوستان تعریف کردم، برخی اظهار داشتند که بدون برق امکان استحمام در آن سرداب قرون وسطایی نیست! یکی از دوستان گفت: در تاریکی رفتن به آن سرداب خطرناک است. لابد آمدن آقای مختاری نیز حکمتی داشت. به هر حال تجربه ای شد تا ساعت قطع برق را دقیقاً بپرسم و به خاطر بسپارم.

به همراه آقای مختاری به موسسه کاشف الغطاء رفتم تا پیگیر اسنادی از کاشف الغطاء و آخوند خراسانی باشیم که شیخ عباس کاشف الغطاء از آن سخن می گفت. فرزند شیخ عباس که طلبه بسیار زیرک و خوش برخوردی است به استقبال آمد، شب را برای شام و بازدید از مؤسسه دعوت کرد. تا با مسؤول بخش اسناد نیز در آن جلسه آشنا شویم و وعده دریافت اسناد را از او بگیریم. و این که سید عبدالستار حسینی هم در این میهمانی خواهد بود.

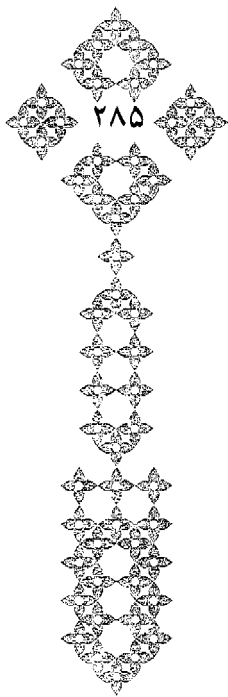
استاد سید عبدالستار حسینی از فضلا، ادبا، شعرا و نسب شناسان حوزه نجف است و تعبیر آیه الله سیستانی در باره اش این بود که «یکی از دوستان ماست». سرگذشت سید هبة الدین شهرستانی را برای موسسه کتابشناسی شیعه نوشته است.

ظهر در مؤسسه آل البیت علیه السلام نجف میهمان جناب آقای شیخ احسان جواهری بودیم. غذای مطبوعی تدارک دیده بودند، پس از صرف ناهار به منزل آمدیم.

#### بازدید از مدارس علمیه نجف

پس از کمی استراحت برای بازدید از مدارس علمیه نجف راه افتادیم. مدرسه شریانی، مدرسه آخوند خراسانی، مدرسه بخارایی، مدرسه میرزا ابراهیم اصطهباناتی. اکثر این مدارس مخروبه و کلنگی است و طلبه ها با عسرت و سختی در آنها زندگی می کنند. در میان آن ها مدرسه آخوند وضع بهتری داشت. هم از نظر وسعت و هم از نظر ساختمان و امکانات. در یکی از این مدارس به آیین





نامه انضباطی مدرسه بر خوردم که جالب بود؛ همین جا نقل آن خالی از لطف نیست :

\* يجب على الأخ الزائر الانتظار لحين التأكد .

\* لا يسمح بدخول الضيوف بعد ساعة ٢ ظهرا .

\* يحق للمنتسب أن يستقبل أباه أو أخاه أو أبنه في حالات الاضطراب ويمكن لهم المبيت ليلة واحدة .

\* لا يسمح بدخول الطلبة من خارج المدرسة للتباحث فيها .

\* لا يحق لموظف الخدمة ترك المدرسة الا بوجود البديل .

\* يمكن للطلبة من خارج المدرسة دخولها من الصباح إلى ساعة ٢ بعد الظهر بحدود المألوف و المعروف من خلال الوضوء و شبهه بشرط أن لا يؤثر على الجو العام للمدرسة .

\* الداخل إلى المدرسة يجب أن يكون معروفاً و موثقاً من اثنين من المدرسة .

\* يلزم الطالب باثبات استمراريته بالدرس من خلال توثيق من استاذة المباشر في كل ٣ أشهر .

\* يسقط حق الطالب بانتفاعه من المدرسة فيما إذا :

- غاب لمدة ٤ أيام متتالية بلا عذر شرعي .

- غاب لمدة ١٠ أيام متفرقة خلال ٣ أشهر بلا عذر شرعي .

### بازدید از کتابخانه آیه الله حکیم

خانان آیه الله سید محسن حکیم از خاندان های مشهور عراق است . ایشان که به مبارزه بر علیه کمونیسم در عراق نیز شهرت دارد ، بسیاری از نوادگانش به دست رژیم بعثی عراق به شهادت رسیدند . آیه الله سید محمد باقر حکیم که سال ها در ایران رهبری معارضان عراق را در مبارزه با رژیم صدام بر عهده داشت ، پس از سقوط صدام به عراق بازگشت ولی به دست ایادی استکبار شهید شد . اکنون برادرش حجة الاسلام سید عبدالعزیز حکیم در عرصه اجتماعی و سیاسی فعال است .<sup>۱</sup>

دیدار با شخصیت های سیاسی در برنامه سفر هیأت نبود چون اهداف سفر علمی ، فرهنگی و زیارتی بود . از این رو توفیق دیدار با ایشان فراهم نشد .

آیه الله حکیم در شارع الرسول در سال ۱۳۷۵ق با خرید دو خانه متصل به مسجد هندی برای توسعه مسجد ، بخشی از آن را به عنوان مقبره و طبقه فوقانی آن را به عنوان کتابخانه عمومی اختصاص داد و کتب ارزشمند فراوانی را جمع آوری کرد . سپس با بنای جدیدی در چند طبقه ، کتابخانه توسعه پیدا کرده و تجهیز شد . و از سال ۱۳۸۷ به محققان خدمات ارائه نمود . بخش نسخ خطی آن بسیار ارزشمند بود و دوستان که با استقبال و روی گشاده مسؤولان کتابخانه روبرو شده بودند ، موارد متعددی فتوکپی یا عکس از نسخ خطی دریافت کردند . متأسفانه در ناآرامی های عراق کتب فراوانی از این کتابخانه نفیس به سرقت رفت .

۱. اینک که این نوشته را برای چاپ آماده می کنم ، آن بزرگوار به علت بیماری سرطان در گذشته و در جوار رحمت حق آرمیده است .

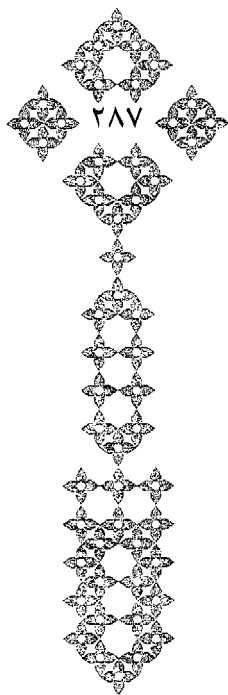


نماز جماعت مغرب و عشاء را در مسجد شیخ انصاری به امامت آیه الله خراسان که الحمد لله بهبود یافته، بجا آوردیم. گویا ایران در بازسازی این مسجد که محل تدریس امام خمینی در نجف اشرف بود، کمک کرده؛ شبستان مسجد هم از فرش های اهدایی رهبری مفروش شده است. عبارت «هدیه السيد قائد الجمهورية الإسلامية» روی فرش ها نوشته شده است. در این مسجد تلفن همراه و دوربین و امثال آن را در صحن مسجد به امانت دریافت می کردند تا مسجد از صدای تلفن های همراه در امان باشد! کار خوبی است. نماز جماعت سید مورد توجه طلاب و فضلاست. غالب مأمومین طلبه اند و در نزدیک حرم شریف قرار دارد. و چون در حرم شریف هم نماز جماعت رسمی برگزار نمی شود، جماعت این مسجد با استقبال روبروست. در حرم شریف نماز جماعت ها به امامت روحانیان کاروان های ایرانی برپا می شود. و به دلیل اختلافاتی که وجود دارد، نتوانسته اند نماز جماعت واحدی در آن برپا کنند!! این هم از مصایب و گرفتاری های اختلاف بین اهل علم است! نمی دانم تاکی باید ما شیعیان تاوان اختلافات خود را بپردازیم، آن هم در دنیایی که شیعه به اندازه کافی دشمن دارد؟ و هکذا اختلافات بین مسلمانان در سطحی وسیع تر با وجود این همه دشمن مشترک!

#### دیدار با دکتر سید محمد بحر العلوم

قرار بود بعد از نماز به دیدار حجة الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد بحر العلوم برویم. بادو خود رو به طرف مؤسسه علمی او به نام «معهد العلمین» (الطوسی، بحر العلوم) حرکت کردیم. دکتر سید محمد بحر العلوم پس از سقوط حکومت بعثی عراق، رئیس شورای موقت حکومت عراق بود. وی اخو الزوجه آیه الله سید رضی شیرازی است، فرزندش هم وزیر نفت عراق شد. در زمان صدام مقیم لندن بود. وی ضمن استقبال گرم از اعضای هیأت در محل مؤسسه، روی چند نکته تأکید نمود:

۱. همکاری حوزه نجف و حوزه قم؛
  ۲. وحدت امت اسلامی و ملت ایران و عراق؛
  ۳. مرجعیت از قدیم الایام به شایستگی و شرایط بستگی داشته و قومیت در این منصب الهی دخالت نداشته، فقیه واجد شرایط مرجع می شود چه ایرانی باشد، چه عراقی، چه لبنانی و چه افغانی و...، البته در ربع قرن اخیر مراجع ایرانی بوده اند؛
  ۴. قدرت ایران قدرت ماست و قدرت عراق قدرت ایران. ایران و عراق از یکدیگر جدا نیستند، از این رو باید با یکدیگر همکاری تنگاتنگی داشته باشند.
- او ضمن با اهمیت خواندن ارتباط بین علمای نجف و علمای قم، خواهان همکاری علمای قم در



«معهد العلمین» شد که با هدف تربیت طلاب در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی تأسیس کرده است.

هم چنین خواهان درک اهمیت تأسیس دولت شیعی در عراق شد که پس از سقوط صدام در این کشور ایجاد شد و بر اهمیت وحدت اسلامی تأکید نمود و این که اگر با هم اختلاف داشته باشیم، نابود و منهدم خواهیم شد.

آقای بحر العلوم از سختی‌هایی که ملت عراق و علما در زمان حاکمیت صدام متحمل شدند، سخن گفت و افزود: ۲۴ نفر از خاندان بحر العلوم به شهادت رسیدند که هنوز پیکرهایشان را به دست نیاورده‌ایم. ایشان در ادامه گفت: «توسط دولت بعثی در تبعید به سر می‌بردم و در تبعید این معهد را تأسیس نمودم. و پس از سقوط صدام به کشور برگشتم تا این معهد را در زمینه علوم سیاسی در نجف ایجاد کنم. اکنون یک سال است که در مقطع فوق لیسانس به تربیت علاقمندان این رشته مشغول هستیم و آماده شده‌ایم تا مقطع دکترا را نیز ایجاد کنیم».

آقای سبب‌حانی - که خوب عربی صحبت می‌کند - یکی از اهداف این سفر را ایجاد پیوند هر چه بیشتر میان دو حوزه قم و نجف معرفی کرده و آمادگی خود و دوستان را برای تعمیق این پیوند اعلام کرد و از سید خواست که در این زمینه نظر را مطرح کند.

ایشان به ریشه حوزه قم که اشعریون کوفه آن را بنیاد نهادند، اشاره کرد و تأکید نمود که امروز باید از گذشته‌الگو بگیریم. من به آقای هاشمی، ولایتی و لاریجانی هم تأکید کردم که تلاش کنید بین دو دولت عراق و ایران اعتماد بیشتر پیدا شود تا همکاری‌ها بیشتر و با دوام باشد.

ایشان نیز از جدیدالتأسیس بودن معهد و آمادگی خود برای استفاده از حوزه قم سخن گفت و افزود: «هدف ما این بود که میراث ارزشمند اسلامی در زمینه حقوق و سیاست در این مرکز علمی احیاء و به دانش پژوهان آموزش داده شود.» و از این که مجبور شده از لبنان برای این مرکز علمی معجز بگیرد، اظهار تأسف کرد. چون نتوانسته بود مرکزی دولتی تأسیس کند و به ناچار به تأسیس مرکز غیر دولتی اقدام کرده است.

وی در ادامه با اشاره به این که اختیار حوزه علمیه با مراجع عظام است و آنان به تربیت طلاب اشتغال دارند، اظهار امیدواری کرد که ارتباطات علمی میان حوزه نجف و حوزه قم افزایش یابد.

آن‌گاه شمه‌ای از دشواری‌های امروز عراق را به خاطر تأسیس دولت شیعی بر شمرد و این که چگونه از جانب دولت‌های عربی تحت فشارند. هم چنین از تعدد احزاب و تشکلهای اقوام و ملت‌ها در عراق گفت که وحدت ملت عراق را با دشواری‌هایی روبرو می‌کند. ملت عراق در ساقط کردن صدام موفق شد، امیدواریم امریکایی‌ها نیز هر چه زودتر از عراق خارج شوند و ملت عراق سرنوشت خود را به طور کامل در اختیار بگیرد. ایشان از اینکه گفته شود: امریکایی‌ها صدام را ساقط کردند، ناخشنود بود. بلکه باور داشت که مردم عراق خواهان سقوط او بودند و چون



امریکایی‌ها فهمیدند که نمی‌توانند او را حفظ کنند، به ناچار او را برکنار کردند.

وی در پایان از تدبیر و دوراندیشی آیه‌الله سیستانی گفت که به رغم آن‌که صبر ما از کشتار شیعیان به دست مزدوران تمام شده بود، روزی خدمت ایشان رسیدم و عرض کردم: طاقت ما تمام شده، فرمودند: «اگر شیعه بخواهد مقابله کند چه اتفاقی خواهد افتاد؟». اگر مراجع نبودند چه کسی ما را کمک می‌کرد؟!.

اعضای هیات در پایان از کتابخانه «معهد العلمین» بازدید کردند و سید چند جلد از آثارش را به اعضای هیات هدیه کرد که عبارتند از:

\* لمحات من الصراع السياسي في الإسلام (العهد الأموي)

\* بین‌یدی الإمام الحسن بن علی (علیه السلام)

\* الحجاج سيف الامويين في العراق

موضوعاتی که آقای بحر العلوم درباره آن‌ها قلم زده، با شخصیت سیاسی و مبارزاتی وی کاملاً تناسب دارد. با چند عکس یادگاری از ایشان خدا حافظی کردیم. و به طرف مؤسسه کاشف الغطاء به راه افتادیم.

#### بازدید از مؤسسه کاشف الغطاء

مؤسسه کاشف الغطاء در سال ۱۴۱۳ و در زمان حاکمیت حزب بعث در عراق تأسیس شد. در مرحله نخست حفظ آثار خطی خاندان‌های علمی نجف اشرف و همه کتابخانه‌هایی که آماده همکاری با این مؤسسه را داشتند مطمح نظر قرار داده و عکس میراث خطی فراوانی را جمع‌آوری کرده و در قالب سی‌دی ارائه نمود.

حجت الاسلام شیخ عباس کاشف الغطاء، مؤسس و مدیر این مؤسسه قدری از فعالیت‌هایش در جمع‌آوری نسخ خطی و اسناد موجود در کتابخانه‌های مختلف عمومی و شخصی گفت که با چه دشواری‌هایی از زمان صدام شروع کرده و تاکنون اسناد فراوانی را جمع‌آوری نموده است.

این اقدام کم‌نظیر و بسیار ارزشمند وی سبب اعتماد خاندان‌های اصیل عراقی به او شده و نهایت همکاری را با او نموده‌اند. او معتقد است با این اقدام گسترده امکان هرگونه حبس و از بین بردن میراث ارزشمند اسلامی را از بین برده است و همین‌طور هم هست. آشنایان به این گونه فعالیت‌های فرهنگی ارزش اقدامات او را می‌دانند. قدری از کمک‌های مالی اوقاف شیعی عراق به مدارس علمیه استفاده کرده، همچنین از حمایت‌های حجت الاسلام و المسلمین سید جواد شهرستانی برخوردار بوده‌اند.

سید عبدالستار حسنی هم در این ضیافت شام حضور داشت. پس از بازدید از مؤسسه بر سر



کتاب شیعہ ۱۱۱  
سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹

اخبار علمی، فرهنگی  
از قلم تاجف اشرف

سفره شام نشستیم که غذاهای متنوعی تدارک دیده بودند. جمع صمیمی و بازدید مفیدی بود.

روز دو شنبه، ۲۴ فروردین

### در مسجد کوفه

بعد از نماز صبح قرار بود عازم مسجد کوفه شویم. ساعت ۶ تا ۸ صبح در این مسجد به انجام اعمال آن پرداختیم. با سفر قبلی من و ذهنیتی که از مسجد کوفه داشتم به کلی تفاوت داشت. قبلاً صحن مسجد خاکی بود و امروز سنگ فرش سفید، مقام‌ها بازسازی شده و دارای منظره‌ای دلربا، شبستان مسجد بازسازی شده و برخلاف سفر قبلی که محراب مسجد را برای تعمیرات بسته بودند، آماده و خلوت برای اقامه نماز و خواندن مناجات امیر مؤمنان علی (علیه السلام). حال خوشی پیدا کردم، حتماً آقای سروش و طارمی که سفر اولشان بود، بهره بیشتری از این اماکن معنوی بردند.

مسجد کوفه از دیر هنگام و از زمان حاکمیت صدام توسط گروهی از هندی‌ها بازسازی می‌شد و چند مرتبه به خاطر جنگ و درگیری متوقف شده و بار دیگر آغاز شده است. لوسترها و برخی از تأسیسات مسجد شبیه مساجد هندی‌هاست که در سفر به هندوستان مشاهده کرده بودم.

آقای واثقی به خاطر قراری که با آقای خرسان و بعضی از کتابخانه‌ها برای دریافت نسخ خطی داشت، از همراهی با ما عذرخواهی کرد. آقای حافظیان هم به خاطر کسالت در منزل استراحت نمود. آقای مختاری که مقید بود اعمال رابی کم و کاست و طمأنینه انجام دهد، به همراه آقایان طارمی و سبحانی، اعمالشان ۱۵ دقیقه دیرتر تمام شد.

سپس به زیارت مرقد مطهر مسلم بن عقیل و هانی بن عروه -رحمهما الله- رفتیم. کاروانی لبنانی نیز همزمان با ما به انجام اعمال و زیارت مسلم و هانی مشغول بودند.

این مسجد یادآور مظلومیت علی بن ابی طالب (علیه السلام) و خطابه‌های آتشین او در تشجیع کوفیان به جهاد با دشمنان خدا و رسول خداست. یادآور اقتدار او در دوران حاکمیتش و عزت فرزنداناش، هم چنین یادآور مظلومیت مسلم بن عقیل و اسرای کربلا و زینب کبرا (علیهم السلام).

بعد از آن به زیارت خانه منسوب به حضرت علی (علیه السلام) رفته و دو رکعت نماز خواندیم و از آنجا به زیارت میثم تمار رفتیم.

### لحظاتی در کنار فرات

به هنگام بازگشت به منزل از کنار شط فرات برگشته و لحظاتی در کنار شط قدم زدیم. فضای بسیار خوب و مصفاایی است برای استراحت. به منزل بازگشته و صبحانه خوردیم و آماده حرکت برای دیدار با آیة الله سید سعید حکیم شدیم.





قدری دیر کردیم، ناخواسته بود. پس از احوالپرسی، آقای مختاری سخن آغاز کرد و از نظام آموزشی و کتب درسی حوزه پرسید. ایشان در سخنانشان روی چند نکته تأکید کردند:

۱. عمق و دقت در متون و آثار کهن حوزه؛
۲. ضرورت ایجاد ارتباط میان متون آموزشی حوزه با مقتضیات عصر؛
۳. لزوم برنامه ریزی آموزشی برای طلاب به گونه ای که بتوانند از میراث ارزشمند گذشتگان بهره ببرند.

معتقد بودند که بسیاری از متون درسی جدید عمق و ارزش علمی متون گذشته را ندارد.

سپس آقای سبحانی رشته سخن را به دست گرفت و نظر ایشان را درباره ضرورت های زمان و لزوم موضوع شناسی برای فقیهان جو یا شد. آیه الله این سخن را پذیرفت چرا که معتقد بود فقها همیشه به مسائل مستحدثه توجه داشته و حکم شرعی را بیان کرده اند.

در پاسخ به پرسشی از لزوم پرداختن به مباحث کلامی جدید و حکمت و فلسفه با هدف پاسخگویی به شبهات، از مخالفت خود با براهین و استدلال های پیچیده عقلی و فلسفی خبر داد. بر این باور بود که همه استدلال های عقلی قابل ارجاع به وجدان آدمی است و هر استدلالی که با وجدان انسان هماهنگ نباشد، مخدوش است.

جو مخالفت با علوم عقلی و حکمت و فلسفه در این حوزه کاملاً مشهود و میراث دهه های اخیر است. حتی در دیدار با بعضی از علما، با آن که هیچ سخنی و اماره ای بر تعلق اعضای این هیأت به حکمت و فلسفه مطرح نبود، در مخالفت با آن سخن گفته شد. به امید آن که مجد و عظمت حوزه کهن نجف که در آن شخصیت های بزرگی در علوم و رشته های گوناگون فقهی، تفسیری، کلامی، فلسفی، عرفانی و... تربیت شود، باز گردد. محدود شدن حوزه با سابقه ای چون حوزه نجف به فقه و اصول و مغفول ماندن رشته های دیگر علوم اسلامی این حوزه را در حد یک دانشکده فقه تنزل خواهد داد. تردیدی نیست که فقه و فقاقت و مرجعیت رکن اصلی حوزه های علوم دینی است، اما نمی توان ضرورت گسترش علوم مختلف اسلامی را در حوزه ها انکار کرد.

ایشان دو جلد کتاب به اعضای هیأت اهداء کردند و برخلاف ورود، هنگام خروج و خداحافظی بدرقه گرمی کردند که حاکی از رضایت ایشان از جلسه و سخنان دوستان در این ملاقات بود.

خوشبختانه ملاقات با مراجع نجف بدون تشریفات و ساده و بی تکلف است هر چند اجازه تصویربرداری ندادند. و البته دفتر آیه الله سید سعید طباطبائی حکیم چند عکس انداختند.





### بازدید از مدرسه و کتابخانه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء

بعد از ظهر قرار بازدید از مدرسه و کتابخانه آیه الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء و ملاقات با فرزندان ایشان، شیخ شریف داشتیم. وی از اینکه در ایران مهد تشیع حکومتی شیعی حاکم است، اظهار خشنودی کرده و از علاقه پدرش به ایران یاد کرد. از این که به برکت انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی ره مکتب اهل بیت علیهم السلام در جهان طنین انداز شده، خداوند سبحان را شاکر بود.

وی در بخش دیگری از سخنانش از این که در ایران و شهر قم میراث ارزشمند علمای شیعه احیا می شود، تشکر کرد و آن را بسیار ارزشمند دانست و در همین زمینه از شهید قاضی طباطبایی که دو اثر از آثار علامه کاشف الغطاء را احیا کرده، تجلیل نمود.

در این کتابخانه همه آثار کاشف الغطاء را جمع کرده و چون دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم نیز در پی احیاء آثار کاشف الغطاءست، همکاری های متقابل دارند.

گشتی در کتابخانه کاشف الغطاء زدم. در حواشی کتاب های چاپی متعددی یادداشت هایی دارد. برای من که درباره شخصیت ایشان مشغول نگارش یک اثر در سلسله «بزرگان شیعه» برای «مؤسسه کتابشناسی شیعه» هستم، ملاحظه این آثار و نوشته های شیخ مغتنم است ولی نیازمند مجال بیشتری است. برخی دوستان پیشنهاد می کردند که ۱۵ روز در نجف اقامت کنید و آثار شیخ را در این کتابخانه ببینید. نمی دانم چنین فرصت و توفیقی پیدا شود یا نه.

به قدری خسته بودم که به منزل برگشتم، آقایان معراجی، مختاری و سبحانی در جلسه انسی که با حضور تنی چند از اساتید دانشگاه کوفه در موسسه دکتر حسن عیسی حکیم به نام «موسسه التراث النجفی» برگزار شده بود، شرکت کردند. گویا جلسه خوبی بوده و راضی بودند و از این که ما شرکت نکردیم اظهار تأسف نمودند. این جلسه که در یک خانه کوچک در نزدیکی منزل ایشان به صورت هفتگی تشکیل می شود، میزبان شخصیت های علمی و فرهنگی است. این محفل برای شهر نجف پس از سال ها سکون و رخوت غنیمت است.

با دوستان جلسه انسی برگزار و مطالب مفیدی گفته شد از جمله اینکه در عرصه ورزش و هنر به قدری زیاده روی کرده ایم که شورش در آمده! در سال های گذشته یکی از هنرمندان قدیمی - آقای جمشید مشایخی - از این همه افراط در زمینه ورزش و هنر به حق گلایه کرد. از این که از هر جوانی می پرسیم: می خواهی چه کاره شوی؟ می گوید: می خواهم فوتبالیست یا بازیگر شوم، ناراحت بود و می گفت: «چرا نمی گویند، می خواهم پرستار شوم، یا ده ها شغل شرافتمند دیگر؟!». حق داشت، دولتمردان و صدا و سیمای ما به قدری در این دو عرصه زیاده روی کرده اند، که انگیزه های کاذب در جوانان و نوجوانان ایجاد شده، هر روز تجلیل از هنرمندان و ورزشکاران و در بوق و کرنا کردن آن؛ اگر حرف و سخن از همه ورزشکاران یا همه هنرمندان بود باز انسان دلش نمی سوخت، بلکه





هر جامی روی حرف از بازیگران است و فوتبالیست‌ها، توگویی در این مملکت در مشاغل دیگر افراد موفق وجود ندارد.

تب فوتبال به میان اقشار نخبه جامعه هم سرایت کرده، چه بسا طلبه‌ها و حتی فضلا، اخبار فوتبال را بیشتر از اخبار سیاسی و فرهنگی دنبال می‌کنند. واقعاً مایه تأسف است! بگذرم.

**روز سه شنبه، ۲۵ فروردین**

قبل از اذان صبح توفیق پیدا کردم به حرم مشرف شوم. بعد از نماز و زیارت و تلاوت یک جزء قرآن به منزل برگشتم.

ظهر منزل دکتر حسن حکیم میهمان بودیم. عده‌ای از اساتید دانشگاه رادعوت کرده بود. دکتر حکیم دو کتاب از آثارش را به دوستان اهداء کرد. بعد از صرف ناهار برای استراحت به منزل بازگشتیم.

**دیدار با شیخ محمد سند**

عصر با شیخ محمد سند در مسجدی نزدیک محل اقامتش ملاقات کردیم. در طبقه دوم همان مسجد مقیم است و در مسجد تدریس می‌کند. وی اصالتاً بحرینی است که پیشتر دانشجو و مقیم لندن بود. و با پیروزی انقلاب اسلامی طلبه شد و در قم به تحصیل پرداخت. هم اکنون از اساتیدی است که سال‌ها در قم به تدریس مشغول بوده و آثار و تألیفات فراوانی هم دارد. از اساتید موفق حوزه است. بنا به نیاز حوزه نجف و درخواست مرجعیت نجف به این شهر هجرت کرده و در زمینه‌های اعتقادی، فقهی و اصولی درس و بحث آغاز کرده است.

ایشان از تشنگی فراوان طلاب در نجف به تحصیل گفت که به خاطر احساس عقب ماندگی در گذشته، با تلاش مضاعفی به دنبال جبران گذشته‌اند. مجدداً در درس‌ها حضور می‌یابند و این احساس اختصاصی به طلاب حوزه ندارد، دانشجویان دانشگاه‌ها و حتی کسبه هم که در درس عقاید شرکت می‌کنند، چنین احساس دارند. امروز در حوزه نجف چهار تا پنج هزار نفر در مقاطع مختلف مشغول تحصیل اند که حدود هزار نفر آنان در مقطع خارج به تحصیل اشتغال دارند.

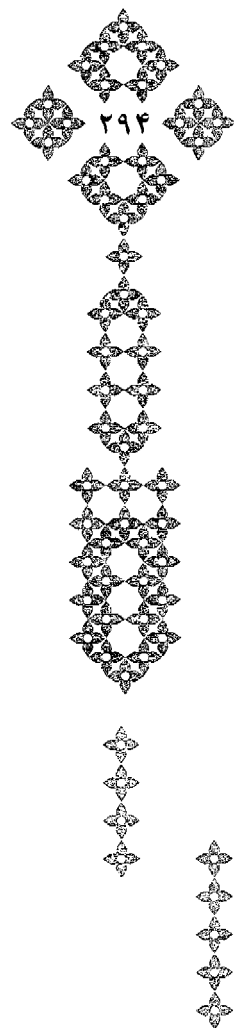
آقای سند ارتباط دو حوزه نجف و قم را بسیار ضروری خواند. و حوزه نجف را از این جهت که ظرفیت بالایی برای ارتباط با جهان عرب و حتی محافل غیر عربی دارد، حائز اهمیت دانست. جهان عرب به خاطر حسّ عربیت با حوزه نجف احساس قرابت بیشتری می‌کند تا حوزه قم.

این سخن درستی است، بخصوص به خاطر قدمت حوزه نجف و میراث گرانقدر این حوزه و پیوندی که در گذشته با جهان عرب داشته است.

ایشان در ادامه به منظور ارتباط هر چه بیشتر این دو حوزه، پیشنهاد کرد:

۱. نهادهایی مثل انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و دفتر تبلیغات حوزه و امثال آن





نمایندگی‌هایی را در نجف تأسیس کنند تا طلاب با سهولت بیشتری به آثار منتشره آن‌ها دسترسی پیدا کنند. آثار ارزشمندی که در سال‌های گذشته محصول تلاش علمی حوزه قم است، بدین وسیله در اختیار حوزه نجف قرار گیرد؛

۲. رفت و آمد و تعامل اساتید و فضایی حوزهای نجف و قم.

شیخ محمد سند از این دیدار بسیار اظهار خشنودی کرد. اعضای هیأت نیز از این دیدار راضی بودند، بخصوص که از این طریق با بخشی از مسائل حوزه نجف آشنا شدند.

### ضیافت شام دکتر زاهد

دکتر عبدالامیر زاهد از اساتید معروف دانشگاه کوفه در رشته اصول فقه است.

دکتر زاهد هم اکنون، در حال آماده سازی تقریرات درس فقه سید مهدی بحر العلوم است که گویا از نخستین تقریرهای درس فقه در تاریخ فقه شیعه است.

باگشوده شدن باب گفتگو آقای سروش به تقریر اجمالی طرح پژوهشی‌ای پرداخت که سال‌ها فکر او را به خود مشغول کرده است. این که «آیا برای فقه حکومتی و مبانی آن علم اصول موجود کافی است یا نیازمند قواعد اصولی دیگری هستیم؟» وی با طرح خود اعجاب دکتر زاهد را که متخصص علم اصول است، برانگیخت و او را به تأمل واداشت، پس از صرف شام، آقای دکتر زاهد مختصری درباره مشکلات عراق و دولت سخن گفت و انتظار خود را از جمهوری اسلامی مبنی بر یاری رساندن به مردم و دولت عراق بدون چشمداشت، مخفی نکرد.

وی از: ۱. فقر و بیکاری به عنوان مهم ترین معضلات عراق؛ ۲. وجود میلیون‌ها یتیم و زن بیوه با عوارض منفی فراوان آن؛ ۳. عکس العمل منفی دولت‌های عربی به تشکیل دولت شیعی عراق و کارشکنی‌ها و سنگ اندازی‌های آنان به عنوان مشکلات امروز دولت و ملت عراق یاد کرد و خواستار نجات مردم عراق توسط ایران با اخلاص کامل شد.

۲. اینک که این خاطرات را بازنویسی می‌کنم چند روزی از کنگره شیخ

- احکام النهر الدولي في الفقه الإسلامي

- قراءات في الفكر الإسلامي المعاصر

- مقدمات منهجية في تفسير النص القرآني

ایشان به منظور ارج نهادن به این هیأت، به همراه دو تن از شاگردانش با سه اتومبیل که رانندگی‌اش را بر عهده داشتند، اعضای هیأت را تا منزل مشایعت کردند. جلسه خوبی بود. وی قرار است با تنی چند از اساتید در کنگره شیخ کلینی (رحمه الله) که در ماه آینده در ایران، شهر ری برگزار خواهد شد، شرکت کند و مقاله ارائه نماید.<sup>۲</sup>

دکتر زاهد به همراه چند نفر در کنگره شیخ کلینی شرکت کرده‌اند. ایشان که در هتل صفای شهر قم مستقرند، و با حضور جمعی دیگر از میهمانان کنگره شیخ کلینی شرکت کرد.



چهارشنبه، ۲۶ فروردین ۱۳۸۸

به هنگام نماز صبح عازم حرم شریف شده و پس از اقامه نماز و زیارت حرم شریف علوی به قصد زیارت وداع در کنار ضریح مقدس نشستیم. وداع مرقد مطهر امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بسیار سخت و دشوار بود. به رغم آن که توفیق اقامت پنج روزه در نجف اشرف را داشتیم و در این چند روز بسان کبوتران حرم در اطراف حرم شریف می چرخیدیم، اماکن علمی نیز غالباً در شارع الرسول و کوچه های اطراف حرم بود، با نگاه به گنبد طلایی حرم آرامشی می یافتیم، اما تصور آن که فردا صبح در نجف نخواهیم بود تا هنگام سحر حرم مشرف شویم، بسیار ناراحت کننده بود. هر طور بود، وداع کردم. در این چند روز سعی ام برای آن بود که همه بستگان، اقوام و خویشان، دور و نزدیک، به ویژه مادر، همسر و فرزندان، دوستان، ملتزمین دعا، حاجتمندان و درگذشتگان، بخصوص امام راحل و شهیدان انقلاب و دفاع مقدس را یاد کنم. چرا که ما مدیون و مرهون مجاهدت های آنها هستیم.

قرار بود که در روز آخر اقامت در نجف اشرف بعد از زیارت حرم، به مسجد سهله و مسجد حنانه برویم. متأسفانه فرصت انجام اعمال مسجد سهله را پیدا نکردیم، تنها به اقامه نماز تحیتی در آن مسجد اکتفا نمودیم، هم چنین مسجد حنانه.

به هنگام بازگشت، راننده تاکسی که از علاقمندان به خاندان صدر بود، ما را از مسیری بازگرداند که بقعه ای در محل شهادت آیه الله سید محمد صدر ساخته بودند. از ماشین پیاده شده و فاتحه ای برای روح مطهر او قرائت کردیم.

هم چنین از کنار وادی السلام عبور کرده و اهل قبور را نیز زیارت کردیم. ساعت ۸ صبح به منزل رسیده، و پس از صرف و صبحانه و استراحت، اثاث ها را جمع کرده و آماده حرکت به کربلا شدیم. آقای شیخ احسان جواهری تلاش فراوانی برای تهیه بلیط برگشت نموده، چون بلیط برگشت را به هنگام سفر صادر نمی کنند. برنامه ریزی ما تا حدودی به زمان بازگشت بستگی دارد و چون زمان برگشت معین نیست، برنامه های کربلا و کاظمین هم نامشخص است. بالاخره بعد از چند روز تلاش ایشان و همکاران آقای مختاری در قم برای روز یکشنبه، ساعت ۱۴:۳۰ از بغداد به تهران بلیط هواپیما تهیه شده است.

### عزیمت به کربلای معلی

پس از اقامه نماز ظهر و عصر، در ساعت ۱۲:۴۵ عازم کربلای معلی شدیم. در بین راه آن قدر ایست و بازرسی بود که مسافت یک ساعته، دو ساعت طول کشید.

ساعت ۱۵:۳۰ به محل اقامت - مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) رسیدیم. ساک هایی که برای حمل بارمان از نجف خریداری کرده بودیم، به علت نهادن کتاب و کیفیت بسیار پایین آنها، یا دستگیره اش پاره شد یا چرخش کننده!

مؤسسه آل البيت علیه السلام محل خوبی در کربلا دارد. در یکی از واحدهای آپارتمانی ساکن شدیم. باناها و میوه از زائران حسینی پذیرایی کردند. خداوند جزای خیرشان دهد و بر عزت و اقتدارشان بیفزاید.

خبر دادند که امشب پس از زیارت حرم حسینی علیه السلام و نماز مغرب و عشا بر نامه بازدید از کتابخانه حرم حسینی علیه السلام تدارک دیده شده، شام هم میهمان آستان مقدس حرم هستیم. ساعت ۶ بعد از ظهر از طرف آستان مقدس خودرویی فرستادند تا اعضای هیأت را به حرم ببرد. غیر از آقای واتقی که متأسفانه کسالت پیدا کرده اند، عازم حرم شدیم. از بازرسی های اطراف حرم عبور کرده و تا مقابل باب القبله پیش رفت.

### دیدار با تولیت حرم حسینی

به دفتر تولیت حرم حجة الاسلام آقای شیخ مهدی کربلایی، نماینده آیه الله سیستانی و امام جمعه کربلا هدایت شدیم. مدیران حرم به استقبال آمدند و درباره اقدامات انجام شده در حرم حسینی توضیحاتی ارائه دادند. از مشکلات کار و پیشرفت آن در دو، سه سال اخیر گفتند. در نماز جماعت مغرب و عشا به امامت شیخ مهدی کربلایی حاضر شدیم. بعد از نماز با ایشان قرار ملاقات داشتیم. پس از خوشامدگویی به اعضای هیأت و اظهار خشنودی، در چند محور سخنانی اظهار داشت: از نشاط علمی در حوزه کربلا به تبع حوزه نجف و سایر حوزات عراق و مشکلاتی که مهمترینش کمبود استاد شایسته برای تدریس در مقطع سطوح عالی است، و نیز فقدان مدارس با برنامه به خاطر وجود همین مشکل.

هم چنین از وجود افرادی که مدعی مرجعیت هستند و منشأ اختلاف و چنگاکنی در میان شیعیان شده، اظهار تأسف کرد.

در خصوص «برگزاری نمازهای جماعت متعدد در عرض یکدیگر در صحن حرم حسینی، که موجب سؤال و شبهه برای زائران ایرانی شده و مرتباً از علت آن می پرسند و واقعاً برایشان قابل توجیه نیست»، با تأسف اظهار داشت: این مسأله از جمله معضلاتی است که ما هم از آن خیلی ناراحتیم و راه چاره ای برای آن نمی یابیم. بخاطر اختلافات شدید، و این که هر کسی مدعی اقامه جماعت در حرم است، مصلحت دیدند که در حرم علوی اصلاً نماز جماعت اقامه نشود، که مبادا به نزاع و اختلاف دامن بزنند و در حرم حسینی هم پیشتر هفت نماز جماعت برگزار می شد و فعلاً به چهار نماز جماعت تقلیل پیدا کرده است. وقتی از شیخ مهدی کربلایی خواسته شد لا اقل بین نمازها دیوارهای کاذب و موانعی برای جداسازی آنها کشیده شود، گفت: امکاناتی برای این امر نداریم و فعلاً برایمان مقدور نیست.

حقیقتاً اختلاف و چند دستگی میان مسلمانان و یا شیعیان دردآور است. در شرایطی که دشمنان





اسلام برای ریشه کردن اسلام و مسلمانان متحد شده‌اند، مسلمانان برای مسائل پیش پا افتاده و به خاطر هواهای نفسانی با یکدیگر اختلاف و دشمنی می‌کنند. امید است لااقل اختلافی که امروزه در بین شیعیان عراق وجود دارد، با تدبیر و همفکری عقلای قوم برطرف شود و یا به حداقل برسد تا دشمنان تشیع از این ناحیه نتوانند به شیعیان ضربه بزنند. یکی از دستاوردهای مبارک و وحدت شیعیان در عراق، وحدت با اهل سنت نیز خواهد بود و مسلمانان را در برابر بیگانگان «ید واحد» خواهد کرد. باید اذعان کرد که کوه فکری، بی توجهی به مصالح عالیه اسلامی، ساده اندیشی و ساده لوحی، تعصب‌های ناروادر میان پیروان مذاهب اسلامی و حتی شخصیت‌های مذهبی از علل و عوامل وضع موجود و اختلافات مسلمانان هاست. آیا هیچ انسان عاقلی در شرایط موجود عراق که کفار و مشرکان سرزمینشان را اشغال کرده و از هیچ اقدام نامشروعی - اگر بتوانند - دریغ نمی‌ورزند، و تنها به فکر منافع خویش هستند و در این وادی شیعه و سنی برای آنان فرقی ندارد، می‌پسندد مسلمانان یا شیعیان با یکدیگر اختلاف بورزند و آن را علنی کنند؟! لااقل تا بیرون راندن اشغالگران و ایجاد ثبات و امنیت در کشور و رسیدن به شرایط عادی باید اختلافات و دشمنی‌ها را کنار نهاده و با اتحاد و یکپارچگی تحت هدایت و ارشاد مرجعیت بر مشکلات فائق آمد.

پس از صرف شام در دارالضیافه حرم حسینی که آرزوی هر زائری است، از کتابخانه حرم بازدید کردیم. کتابخانه‌ای زیبا و مجهز، و آماده ارائه خدمات به مراجعین. خداوند به بانیان و خدمتگزاران جزای خیر دهد. امکانات خوب، سی‌دی‌های متنوع و ...

بعد از بازدید از کتابخانه، توفیق زیارت حاصل شد. برخی از مسؤولان و متصدیان و خدام حرم که هیأت راهمراهی می‌کنند، ما را بر سر قبور مطهر تعدادی از علما در حرم شریف بردند که بعضی از آن‌ها در قسمت اختصاصی بانوان بود که با تمهید مقدماتی، توانستیم آن بزرگان را هم زیارت کنیم. سید علی طباطبایی صاحب کتاب ارزشمند ریاض المسائل، شیخ یوسف بحرانی صاحب الحقائق الناضرة و وحید بهبهانی، استاد الكل و پدر علامه بحر العلوم. جالب آن که این دو عالم جلیل که یکی سرآمد اخباریان عصر خود و دیگری سرآمد اصولیان عصر خویش بود و مباحثی با یکدیگر داشتند و البته به یکدیگر خیلی احترام قائل بودند، در کنار یکدیگر آرمیده‌اند (رضوان الله تعالی علیهم).

هم چنین زیارت قبور آل شهرستانی از خاندان‌های ریشه دار کربلا، که در کنار قبور شهدای کربلا و پنجره فولاد مدفونند.

مقرر شد که فردا صبح با اتومبیلی که تولیت حرم شریف در اختیارمان می‌نهد برای زیارت مشاهد مشرفه و اماکن تاریخی مثل طفلان مسلم، عون بن جعفر و حرّین یزیدریاحی برویم. همه دوستان از برنامه امشب حرم امام حسین (علیه السلام) به غایت مسرور و خشنود بودند. تکه نان و سیبی به تبرک از دارالضیافه داده بودند که با خود به ایران ببریم.



متأسفانه برخلاف محل اقامت در نجف که بسیار نزدیک به حرم شریف علوی بود، محل اقامت در کربلا قدری با حرم فاصله داشت. و چون شبها خارج از منطقه حفاظت شده اطراف حرم، حکومت نظامی است و عبور و مرور از ساعت ۱۱ شب تا اذان صبح ممنوع است، از عزیمت شبانه به حرم مطهر و بیتوته در آن محروم بودیم. صبح ساعت ۹ صبح عازم حرم شدیم.

### زیارت عون بن جعفر و طفلان مسلم

به هنگام حرکت برای زیارت بعضی از اماکن متبرکه، یکی از خادمان حرم شریف که از دیروز به منزله راهنما ما را همراهی می‌کند و اطلاعاتی در اختیارمان می‌گذارد، برای ناهار در دارالضیافه حرم دعوت کرد.

ابتدا به زیارت عون بن جعفر رفتیم که گفته شده فرزند حضرت زینب (سلام الله علیها) است که به هنگام بازگشت از کربلا به شهادت رسیده است.

پس از آن به مرقد طفلان مسلم علیه السلام رفتیم گفته می‌شد که از آب فرات تا حرم طفلان مسلم لوله‌کشی کرده‌اند. از آب فرات به یاد لب‌های تشنه امام حسین علیه السلام و یارانش نوشیدیم. چه زیباست این جمله که جزء فرهنگ ما شیعیان شده:

شیعتی مهما شربتم ماء عذب فاذا کرونی  
 او سمعتم بغریب او شهید فاندبونى  
 ای پیروان من! هرگاه آب گوارایی نوشیدید، مرا یاد کن، یا هرگاه در باره غریب یا شهیدی شنیدید، برای من ندبه کنید.

به هنگام رفت و برگشت بازرسی‌های طولانی در شهر و جاده، زمان این سفر کوتاه را بیش از حد انتظار طولانی کرد، بخاطر نزدیک شدن به اذان ظهر از تشریف به حرم حَرَبین یزید ریاحی، بازماندیم. بعد از اذان ظهر به کربلا رسیدیم.

پس از اقامه نماز ظهر و عصر در حرم شریف حسینی به دارالضیافه رفتیم و بار دیگر در کنار سفره کرم سید الشهداء علیه السلام نشستیم. به منزل بازگشته و قدری استراحت کردیم. بعضی از دوستان به خاطر آن که مصمم بودیم شب جمعه را به حرم مشرف شویم، از تشریف به هنگام عصر صرف نظر کردند. بعضی هم مشرف شدند. خوشا به حالشان!

در چند فروشگاه اطراف اقامتگاه گشتی زدیم و برای اقامه نماز و صرف شام برگشتیم. پس از صرف شام به قصد آن که ساعت ۲ بامداد به حرم مشرف شوم به استراحت پرداختم ولی تا ساعت یک نتوانستم بخوابم. بالاخره ساعت ۲ برخاستم و وضو ساختم. قبل از این که دوستانی را که سفارش کرده بودند، بیدارشان کنم، آقای معراجی که هنوز بیدار بود، گفت: مسؤولان اقامتگاه پیغام دادند

که تا اذان صبح نمی توانید از اقامتگاه خارج شوید، چون حکومت نظامی است و خطرناک است. در مؤسسه رابسته اند و به دوستانی هم که ساعت ۱۱ می خواستند به حرم بروند، اجازه ندادند. بسیار متأسف شدم. پس از ساعتی آقای سروش وضو ساخت و از آپارتمان بیرون رفت. انتظار داشتم که برگردد، ولی از این که برگشت فهمیدم که از اقامتگاه بیرون رفته. لباس پوشیدم و بیرون رفتم.

### رو به سوی قبلگاه عشق

خوشبختانه چون ساعتی بیش به اذان صبح باقی نمانده بود، اجازه دادند که از مؤسسه بیرون برویم. ماشینی نبود. سوت و کور، پیاده عازم حرم شدم. در بین راه فقط مأموران نظامی بودند و خوشبختانه کاری به زائران حرم نداشتند. به ندرت افرادی را می دیدم که به سوی حرم می روند چهل و پنج دقیقه طول کشید تا به حرم مطهر رسیدیم.

با آن که عقل حکم می کرد به خاطر تراکم برنامه های سفر و بیماری ام که مانع پیاده روی طولانی است، نباید بی احتیاطی کنم، ولی نتوانستم خود را راضی کنم و در کربلای معلی سحر روز جمعه را در حرم نباشم، هر طور بود به ندای دل پاسخ داده و حکم عقل را نادیده گرفتم. خود را به حرم رساندم و توفیق زیارت حرم حسینی و حرم علمدار کربلا، قمر بنی هاشم علیه السلام به دست آمد. تا ساعت ۷:۳۰ حرم بودم. به هنگام بازگشت از حرم حضرت عباس علیه السلام در بین الحرمین، قبر مطهر سید محمد مجاهد، صاحب کتاب ارزشمند مناهل را که از فقیهان مجاهد در راه دفاع از کربلا بشمار می رود، زیارت کردم و فاتحه ای قرائت نمودم.

سپس به تل زینیه رفتم. دو رکعت نماز به جای آوردم و به روح مطهر و ملکوتی زینب کبری علیه السلام، عقیده بنی هاشم و پیام آور کربلا و سنگ صبور فرزندان حسین بن علی علیه السلام اهدا نمودم.

امروز ظهر به دارالضیافه حرم حضرت ابا الفضل العباس علیه السلام دعوت شده ایم. مقرر شد تا دوستان بعد از نماز ظهر در مقابل کتابخانه حرم حضرت ابا الفضل علیه السلام جمع شوند تا پس از بازدید از کتابخانه به دارالضیافه برویم.

نزدیک ظهر به حرم مشرف شده و پس از اقامه نماز به امامت آقای طارمی که با اصرار دوستان حاضر به امامت شد، برای بازدید به کتابخانه رفتیم. کتابخانه به صورت قفسه باز است. علاقمندان زیادی مشغول مطالعه بودند. بخش کامپیوتری را هم دیدیم که مورد استقبال جوانان قرار گرفته است. برای صرف ناهار به دارالضیافه رفتیم، به خاطر شلوغی قدری صبر کردیم. ناهار امروز برنج با خورشیتیمچه بود. بسیار گوارا؛ تکه نان و ظرف آبی به تبرک برداشتیم تا به ایران ببریم.

### وداع با کربلا

با حرم حضرت عباس و سپس حرم امام حسین علیه السلام وداع کردیم. وداعی غمگین به امید و آرزوی



بازگشت زود هنگام.

ساعتی بعد از اذان ظهر ساک‌ها را بسته و آماده حرکت به کاظمین شدیم. تولیت محترم، شیخ مهدی کربلایی بزرگواری را به نهایت رسانده و دو دستگاه خودرو ویژه میهمانان حرم و تشریفات در اختیارمان نهاد تا ما را به کاظمین ببرد. با سرعت فراوان از مسیرهای ویژه و غالباً بدون ایست برای بازرسی و بان‌شان دادن کارت تردد در مدت یک ساعت و ۴۵ دقیقه به کاظمین رسیدیم.

### از نشانه‌های آزادی و دموکراسی در عراق

در مسیر راه به دو مورد از کاروان‌های نظامیان امریکایی برخوردیم که ده‌ها اتومبیل عراقی با فاصله‌ای زیاد از این کاروان حریم گرفته‌اند. پرسیدیم: چرا از کاروان امریکایی‌ها سبقت نمی‌گیرند؟ پاسخ دادند: سبقت که سهل است اگر نزدیک آن‌ها شوند تیراندازی می‌کنند. مقرراتی وضع کرده‌اند که هیچ خودرویی به آن‌ها نزدیک نشود چون احتمال حمله تروریستی می‌دهند!!

نکته دیگر وضع عمرانی و بهداشتی بغداد است که ابداً به پایتخت کشوری به مانند عراق نمی‌ماند. کوخ‌های فراوان که نقطه مشترک همه آن‌ها وجود دیش‌های ماهواره بر بام آن‌هاست! تا مسافت زیادی که با این وضع روبرو بودیم، تصور کردیم این آلونک‌ها مربوط به روستاها و شهرک‌های اطراف بغداد است ولی وقتی از راننده‌ها پرسیدیم، گفتند: اینجا مرکز بغداد است نه حاشیه آن.

صدام و رژیم بعث عراق با ندانم‌کاری‌های خود کشور و ملتی را به خاک سیاه نشانده و به زباله‌دان تاریخ افتادند!

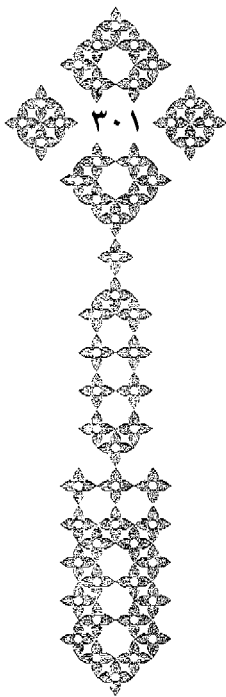
مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

### در کاظمین

سرانجام از خیابان‌های بغداد عبور کرده و به کاظمین رسیدیم و در فاصله تقریباً ۳۰۰ متری حرم شریف در فندق الزهرامستقر شدیم. آقای سعدون، نماینده مؤسسه آل‌البیت علیه السلام به سفارش جناب شیخ احسان جواهری در کاظمین به استقبال آمده و به اعضای هیأت خوشامد گفت. شهر بغداد از نظر فرهنگی و اجتماعی با دو شهر نجف و کربلا متفاوت است. آن‌جا زنان تنها با چادر عربی و با حجاب در ملاعام ظاهر می‌شدند، ولی این‌جا زنان بابلوز و شلووار یا دامن، با روسری یا بدون آن نیز در خیابان‌ها به چشم می‌خورند.

محل استقرار از نظر نزدیک بودن به حرم بسیار خوب و مطلوب است ولی از نظر سطح، مثل یک مهمانسرای متوسط، بلکه پایین‌تر از متوسط است گرچه نامش را هتل نهاده‌اند! البته در وضع موجود عراق انتظار بیشتری نمی‌توان داشت. همین روزها در خاطرات سفر آیه‌الله هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس خبرگان رهبری و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و همراهان که





به قلم حجة الاسلام والمسلمین مسیح مهاجری در روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ می‌رسد، نیز خواندم که آنان را هم در غیر از بغداد در هتل‌هایی در همین ردیف‌ها اسکان داده‌اند!

قرار شد عصر به حرم مشرف شویم. شهر کاظمین نسبت به شهر بغداد مثل شهری است نسبت به تهران. وضع کاظمین امروز مثل وضع ۳۰ سال قبل شهری ماست، از نظر خیابان‌ها و کوچه‌ها و وضعیت ساختمان‌ها و ....

عصر برای زیارت حرم مطهر امام موسی کاظم علیه السلام و نواده عزیزش امام جواد علیه السلام به حرم شریاب شدیم. لطف خداوند کریم است که توانستیم به زیارت مرقد مطهر پدر و فرزند امام رضا علیه السلام برسیم. حرم شلوغ نیست، فقط زائران ایرانی و تعدادی نیز از شیعیان عراق مشغول زیارتند. حرم کاظمین عظمت زائد الوصفی دارد صحنی بزرگ و باشکوه، با سفر قبلی خیلی فرق دارد. مدیریت حرم، نظم و انضباط و نظافت و امکانات خوبی برای زائران فراهم شده، به برکت سقوط دیکتاتور عراق و حاکمیت مردم عراق بر سرنوشت خود و مدیریت مرجعیت و روحانیت بر اماکن متبرکه و همکاری دو ملت و دو دولت ایران و عراق برای احیای این اماکن.

#### روز شنبه، ۲۹ فروردین

به هنگام نماز صبح عازم حرم شریف شدم، نماز صبح و زیارت جامعه و قرائت قرآن. قرار بود ساعت ۸ برای تمدید ویزایمان به یکی از ادارات بغداد رفته و از آن جا به سامرا برویم. و قمتان در آخر سفر خیلی تنگ بود. چون ویزاها، به هنگام ورود به عراق مهر اقامت ده روزه می‌خورند و در صورت افزایش مدت سفر باید مجوز دوباره اخذ شود. برای هر نفر ۱۵ هزار تومان می‌گیرند و ده روز دیگر تمدید می‌کنند. به ما گفته بودند که اگر در نجف باشید تمدید ویزاهای اقامت بدون هیچ مشکلی و بدون آن که لازم باشد خودتاشن شخصاً اقدام کنید، انجام می‌گیرد ولی در بغداد چه بسا مشکلاتی داشته باشد. چون بازگشتمان از فرودگاه بغداد بود، به ناچار باید در بغداد این کار را انجام می‌دادیم.

بعد از صرف صبحانه با دو اتومبیل نه چندان مطلوب به اداره مربوطه رفتیم. راننده‌ای که ما را می‌برد مدعی بود که در آن جا آشنا دارد و ظرف نیم ساعت کار ما را انجام خواهد داد و سپس عازم سامرا خواهیم شد ولی بعداً معلوم شد ناآشنایی راننده که این کار به او محول شده بود، سبب شد تا ساعت ۱۱ در اداره مربوطه معطل شویم. البته از شواهد بر می‌آمد که مأموری که متصدی انجام این کار بود، به خاطر ایرانی بودن ما کارشکنی کرده و این مقدار ما را معطل کرد و الا افراد زیادی می‌آمدند و کارشان انجام می‌شد و می‌رفتند. حتی در مواردی گذرنامه‌های متعددی را یک نفر می‌آورد و تمدید می‌کرد و می‌رفت. معلوم شد نیازی به حضور یکایک ما هم نبود. نکته جالب توجه، وضع اسفبار و بسیار کثیف این ساختمان دولتی در قلب بغداد بود. به هر حال از مشکلات غیر قابل پیش بینی سفر است، چاره‌ای هم نیست.





به هر تقدیر، به علت طولانی شدن و تأخیر حرکت به سمت سامرا، در رفتن به سامرا دچار تردید شدیم. چون باید تا غروب بر می گشتیم و به رغم آن که مسافت تا سامرا ۱۲۰ کیلومتر بیشتر نیست، اما ایست و بازرسی های فراوان موجب می شود که این مسیر یک ساعته، سه ساعت به طول انجامد، از این جهت نگران بودیم که تا غروب نتوانیم برگردیم بخصوص که سفارش کرده بودند به خاطر مسائل امنیتی، یکی، دو ساعت بیشتر در سامرا نمانید و قبل از تاریکی هم برگردید. اتومبیل هایی که در اختیارمان بود، قابل قیاس با اتومبیل های تشریفاتی دیروز که از کربلا به کاظمین آمدیم، نبود.

به هر حال، برخی نظرشان بر این بود که از این سفر صرف نظر کنیم. اصرار بعضی دیگر از دوستان مبنی بر این که معلوم نیست توفیق چنین سفری بار دیگر نصیب ما شود، و مخالفت بعضی دیگر از این که دو گروه شویم، باعث شد که تصمیم جمعی به رفتن گرفته شد.

### در مسیر سامرا

هر طور بود به خدا توکل کرده و به سوی سامرا به راه افتادیم. به دلیل ایست و بازرسی های فراوان ساعت ۲ بعد از ظهر در یک رستوران برای صرف غذا توقف کردیم. یک اتوبوس از زائران ایرانی هم در این رستوران توقف کرده بودند.

در رستوران یا بهتر است بگویم در قهوه خانه برنج پخته! و گوشت و ماست و نوشابه برای ناهار آوردند. ساعت ۳ بعد از ظهر خسته به سامرا رسیدیم. در فاصله ای نسبتاً زیاد با حرم پیاده شدیم، موانع و دیوارهای سیمانی بلند حرم مطهر و مسیر منتهی به حرم را احاطه کرده، بازرسی های دقیق و پیاده روی طولانی تا داخل حرم، دقیقاً یادآور پادگانی که امام هادی و امام عسکری علیه السلام را در زمان متوکل و خلفای دیگر عباسی در آن تحت نظر بودند. اکنون نیز حرم آن دو بزرگوار در محلی محصور و نظامی و کنترل شده، یادآور غربت و مظلومیت این دو امام و نواده رسول خدا صلی الله علیه و آله دو شخصیتی که جز فضائل علمی و اخلاقی و اجتماعی از آنان نقل نشده است.

خوشبختانه در صحن بزرگ حرم مطهر علاقمندان به این دو امام همام با جای از زائران پذیرایی می کنند. گرچه زائر چندانی هم نیست. ما بودیم و لحظاتی بعد تعدادی زائر ایرانی دیگر.

وارد حرم شریف شدیم چقدر غمناک و غریب و مظلوم! از ضریح مقدس خبری نیست، دیوارهای چوبی قبور مطهر را احاطه کرده، در حال بازسازی حرم هستند. حرمی که فرشتگان الهی بر آن بال می گسترند، به وسیله وهایی های متحجر، و کافرهای به ظاهر مسلمان که در حماقت و بلاهت روی امثال ابن ملجم را سفید کرده اند، منفجر شد. قطعاً این جماعت نادان فقط ابزاری در دست بازیگران پشت صحنه اند. هنوز ستون های حرم مطهر را که مواد منفجره را در کنارش نهاده اند





تا سقف و گنبد را یکجا فرو بریزند، بازسازی نکرده‌اند. حفره‌های بزرگ را با نهادن دیواره‌های شیشه‌ای باقی گذاشته‌اند تا زائران، سند جنایت کوردلان را ببینند.

خوشبختانه ستون‌ها به رغم قدمت، آنقدر مستحکم بوده که دیوارها و سقف حرم مطهر فرو نریخته و تنها گنبد و مناره‌ها آسیب دیده‌تر بود. اتفاقاً به خاطر اتمام بازسازی مناره‌ها و گنبد، دیروز در سامرا مراسم رونمایی با حضور تنی چند از مسؤولان عراقی و شخصیت‌های مذهبی و سیاسی برگزار شد. تا بازسازی کامل حرم هنوز فاصله زیادی هست.

از سفر قبلی غمی بر دل داشتم و آن این که به خاطر مسؤولیتی که در کاروان داشتم، در سفر یک روزه قبلی به سامرا نتوانسته بودم زیارت جامعه کبیره را در سامرا ببخوانم. در همه اماکن مشرفه چنین توفیقی پیدا کرده بودم، ولی در حرم سامرا به دلیل ضیق وقت و شاید هم غفلت، از این فیض محروم شده بودم. از این جهت ناراحت بودم که زیارت جامعه کبیره از امام هادی علیه السلام است، حال چطور می‌شود در حرم مطهر امام هادی علیه السلام او را با این مضامین عالی زیارت نکرد؟ هنوز پس از چند سال در ذهنم بود. خوشبختانه به رغم فرصت اندک در این سفر توانستم آن بزرگوار و فرزند عزیزش را با مضامین بلند این زیارتنامه زیارت نمایم. سپس عازم سرداب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) شدم و به مقداری که وقت و نیز حضور زائران ایرانی اجازه می‌داد، آداب آن مکان مقدس را که محل عبادت امام عصر (ارواحنا فداه) است، بیجا آوردم. برخلاف آنچه از سوی برخی افراد ناآگاه گفته می‌شود که محل عروج و غیبت امام زمان است، در منابع معتبر ندیده‌ام که راجع به سرداب مقدس چنین چیزی نقل شده باشد. به هر حال، همین که محل حضور و عبادت امام معصوم بوده، کافی است تا تقدس پیدا کند و مورد احترام همگان باشد.

ساعت ۱۶:۳۰ از حرم خارج شده و به قصد زیارت قبر مطهر سید محمد، برادر امام هادی علیه السلام حرکت کردیم. به دلیل ممنوعیت‌های شدید، و دیوارهای بلند اطراف حرم، امکان عکس برداری نبود. از جاده اصلی خارج شده و مسافت زیادی را هم طی کردیم، ولی از تشرّف به حرم مطهر آن بزرگوار بازماندیم.

به هر تقدیر، با عجله به سمت بغداد حرکت کردیم. هنگام اذان مغرب با تولیت حرم مطهر کاظمین علیه السلام قرار ملاقات داشتیم.

پس از رسیدن به منزل و تجدید وضوراهی حرم مطهر شدیم. در صحن حرم شریف با تولیت حرم، آقای حاج فاضل انباری ملاقات کردیم. پس از احوالپرسی و خوشامدگویی به اعضای هیأت، آقای انباری، با همکاران خود اعضای هیأت را برای بازدید از اماکن در حال احداث حرم همراهی کرد. صحن بزرگی به مساحت ۷ هزار متر مربع در حال احداث است، در دو طبقه، زیرزمین و روی زمین؛ از حرم رضوی الکو گرفته شده. سپس به مسجد جامع صفوی رفتیم که از





دوران صفویه ساخته شده، در حال بازسازی است، مسجد با عظمتی است، با سقف و ستون‌های بسیار بلند و مجلل. از جمله اقدامات عمرانی که جزو برنامه‌هاست، احیای قبور مطهر علمایی است که در کاظمین و صحن شریف مدفونند.

خوشبختانه در کاظمین بازسازی حرم مطهر و اماکن جدید با سرعت و جدیت و پشتکار در حال انجام است. اشراف بر بازسازی حرم‌های مطهر کاظمین، سامرا و کربلا با مهندس شهرستانی است.

### ملاقات با آیه‌الله سید حسین صدر

امشب پس از بازدید از اماکن حرم شریف، با آیه‌الله سید حسین صدر، ملاقات کردیم. وی هم اکنون از بزرگان خاندان صدر و از شاگردان و بستگان شهید آیه‌الله سید محمد باقر صدر است.

ایشان ضمن تشکر از اعضای هیأت، از اهداف سفر که تعامل حوزه علمیه قم و حوزه علمیه نجف است، استقبال کرد و سه نکته را در خصوص فعالیت‌های علمی و فرهنگی یادآور شد:

۱. اخلاق که منشأ برکات و دستاوردهای فراوانی است؛

۲. توجه به شرایط زمانی و مکانی در تحصیل و تربیت طلاب و فعالیت علمی و فرهنگی در حوزه؛

۳. توجه به نیازها و پاسخگویی به شبهات موجود در زمینه‌های مختلف اعتقادی، فکری، فقهی و ....

در ادامه درباره فعالیت حوزه کاظمین گفت:

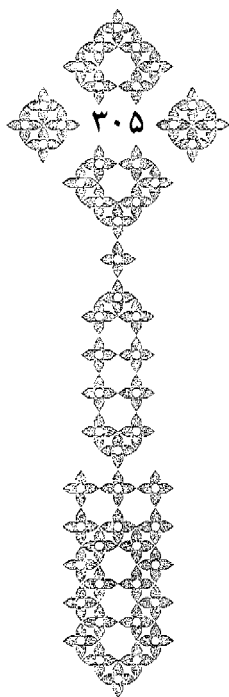
حوزه کاظمیه در گذشته بسیار فعال بود. مرحوم والد سطوح عالی و سپس دو درس خارج فقه و اصول تدریس می‌کرد ولی در زمان حاکم سابق همه چیز و از آن جمله حوزه‌های علمیه از بین رفت و اکنون در حال تجدید حیات است.

آیه‌الله صدر در زمینه «تبلیغ معارف دین» بر لزوم رعایت سطح فهم و درک مخاطبان و نیز نیازهای امت اسلامی تأکید کرد و افزود:

نباید فاصله بین علما و امت زیاد شود. بلکه باید این فاصله روز به روز کاهش یابد و این امر با شناخت جامعه و آشنایی با علوم و دانش‌های دیگر مثل جامعه‌شناسی، تربیت النفس و امثال آن حاصل می‌شود و اصولاً تبلیغ دین به طور صحیح و اصولی بدون آشنایی با این علوم ممکن نیست.

ایشان پیشتر در صحن حرم شریف کاظمین اقامه جماعت می‌کرد و نگارنده در سفر قبلی در این نماز شرکت کرده بود ولی اینک به خاطر فقدان امنیت کافی از اقامه جماعت محرومند. وی دارای آثار متنوعی برای جوانان است.





جوان هوشیار و زیرکی به نام سید علی صدر از خاندان صدر در بیت ایشان حضور داشت که پس از ملاقات و به هنگام صرف شام به پرسش‌های مادر زمینه‌های مختلف پاسخ گفت. او به رغم سن کمی که دارد به نمایندگی از آیه‌الله سید حسین صدر در محافل علمی حاضر می‌شود و پیام‌های او را منتقل می‌کند.

بیوت همه مراجعی که به ملاقاتشان رفتیم، ساده و بی‌آلایش بود. حق هم همین است، باید چنین باشد بخصوص در مملکتی که امروز مردم در محرومیت زندگی می‌کنند و امیدشان مراجع و علما و روحانیت است. اندک گرایشی به تشریفات بخصوص در جامعه امروز عراق روحانیت را از چشم مردم دور می‌کند. سادگی و بی‌آلایشی، حتی در بیت آیه‌الله صدر که بخاطر مسائل امنیتی در کاظمین با محدودیت‌هایی همراه بود و تفاوت‌هایی با بیوت دیگر داشت، و نیز در مؤسسه‌ای که به دیدار استاد بحر العلوم رفتیم، کاملاً مشهود بود. به هنگام بدرقه به هر یک از اعضای هیأت هدیه‌ای از طرف آیه‌الله صدر تقدیم شد.

### یکشنبه، ۳۰ فروردین

برای اقامه نماز صبح به حرم مشرف شدم و پس از نماز توفیق زیارت و تلاوت یک جزء از قرآن را پیدا کردم. ساعت ۵:۳۰ به هتل برگشته و تا ساعت ۷:۳۰ استراحت کردم. دوستان هم کم و بیش بیدار شده و در حال بسته‌بندی اثاث سفر بودند. و ساعت ۱۰:۳۰ به سمت فرودگاه بغداد حرکت کردیم. در بین راه بازرسی‌های مکرری انجام گرفت، گذرنامه و بلیط را کنترل کردند. بازرسی‌های فرودگاه بر عهده آمریکایی‌هاست. در یک مورد همه ساک‌ها را از ماشین پیاده و برای بازرسی به محلی منتقل و ساک‌ها را باز کردند. در دو مورد نیز باسگ‌های آموزش دیده به سراغ ساک‌ها آمدند. یکی از ابزارهای بازرسی در عراق و کنترل اتومبیل‌ها، وسیله‌ای کوچک به اندازه یک دستگاه چسب تفنگی است که به مواد شیمیایی حتی در حد قرص و پماد هم حساس است. این وسیله در سراسر عراق در اختیار مأموران عراقی است و بدین وسیله خودروها را بازرسی می‌کنند. ساعت ۱۱:۳۰ به فرودگاه رسیدیم، پرواز دو ساعت تأخیر دارد.

فرودگاه بزرگ و مجهزی است. در سالن فرودگاه گشتی زدیم. بالاخره پرواز در ساعت ۵ بعد از ظهر انجام شد و در ساعت ۱۱ شب به وقت ایران به قم رسیدیم.

### جمع بندی و نتیجه‌گیری

مايلم در پایان این گزارش چند نکته را درباره سفر بنگارم، به امید آنکه مورد توجه سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان قرار گیرد:

۱. تعامل حوزه‌های علمیه تشیع به ویژه حوزه علمیه قم و حوزه علمیه نجف ضرورتی





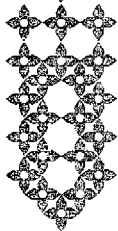
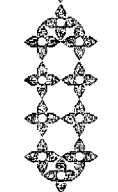
انکار ناپذیر است. فلسفه این سفر نیز همین بود. همین سفر کوتاه نشان داد که چقدر زمینه‌های همکاری و رفت و آمد حوزویان در سطوح مختلف می‌تواند در رشد و تعالی حوزه‌های علمیه مؤثر باشد. حوزه نجف با پیشینه درخشان و جایگاه ویژه‌اش در جهان اسلام به ویژه جهان عرب، پس از یک دوره فترت و انحطاط تحمیل شده از سوی استعمارگران و ایادی منطقه‌ای آنان مثل رژیم بعث عراق، اینک در پی تجدید حیات است. حوزه علمیه قم می‌تواند در این زمینه نقش برجسته‌ای ایفا کند. روح بدبینی و بیگانگی که بر اثر تبلیغات مسموم بیگانگان بر فضای این دو حوزه حاکم شده، نیازمند اصلاح و بازسازی است، گرچه امروز حوزه علمیه قم عاصمه علمی و فرهنگی جهان تشیع است، و به همین دلیل باید حوزه علمیه نجف را با تعامل مثبت با مراجع عظام و شخصیت‌های موخه حوزه نجف دریافت و از هیچ گونه همفکری و همکاری دریغ نورزید.

حوزه‌های علمیه جهان تشیع همگی یک هدف را تعقیب می‌کنند و آن اعتلای اسلام و مسلمین و نشر و گسترش مکتب اهل بیت رسول خدا ﷺ در جهان است. این هدف والا با تنگ نظری، انحصار طلبی، متهم کردن یکدیگر، بدبینی به شخصیت‌های علمی و فرهنگی تحقق نمی‌یابد. اکثر شخصیت‌هایی که در حوزه نجف و کربلا توفیق زیارتشان نصیب ما شد، بر لزوم تعامل و همکاری حوزه علمیه قم با حوزه نجف تأکید داشتند.

البته نباید وجود برخی عناصر ناراحت را در این دو حوزه که همواره بر طبل اختلاف و دوگانگی می‌کوبند، نادیده گرفت و از وسوسه‌های آنان غافل بود. این مهم با دیدارهای متقابل و مستقیم مراجع و اعظم حوزه‌های علمیه قم و نجف دست یافتنی است. دیدار دو شخصیت عالیقدر جهان اسلام حضرت آیه‌الله هاشمی رفسنجانی و حضرت آیه‌الله سیستانی در سفر اخیر ایشان به نجف از نمونه‌های بارز و الگوی مناسبی برای ارتباط مستقیم و بدون واسطه بزرگان عالم تشیع است. مراجع و بزرگان حوزه‌های علمیه قم و نجف به رغم اختلاف سلیقه‌ها که امری طبیعی است، اهداف مهم مشترکی دارند که تحقق آن‌ها بدون همکاری و همفکری امکان‌پذیر نیست.

۲. همکاری مراکز علمی - تحقیقاتی دو حوزه مبارکه قم و نجف سطح دیگری از ارتباط و همکاری است. فضلا و محققان و اساتید این دو نهاد بزرگ علمی با رفت و آمد و همفکری و تبادل نظر در زمینه‌های مختلف آموزشی، علمی و فرهنگی می‌توانند در جهت رشد و تعالی یکدیگر نقش داشته باشند. حوزه علمیه نجف به گفته بعضی از اساتید این حوزه به لحاظ حاکمیت استبداد بر کشور عراق از نظر آموزشی و پژوهشی از نوعی عقب ماندگی رنج می‌برد. با وجود شخصیت‌های بزرگ علمی، فضای مناسبی برای تربیت طلاب و محققان در اختیار آنان نبوده و اینک که این فضا تا حدودی فراهم شده، بی‌شک همکاری و حمایت نهادهای علمی حوزه علمیه قم می‌تواند جبران این عقب ماندگی را تسریع بخشد. حوزه علمیه قم به برکت پیروزی انقلاب اسلامی، در سه دهه





اخیر از نظر آموزشی و پژوهشی پیشرفت‌های فراوانی داشته و در عرصه‌های گوناگون ورشته‌های مختلف علوم اسلامی آثار ارزشمندی خلق کرده؛ کمترین اقدام، انتقال این تجارب و پیشرفت‌ها و پژوهش‌ها، به حوزه علمیه نجف است تا نسل جدیدی که در این حوزه به تحصیل رو آورده‌اند، از آخرین دستاوردهای علمی حوزه قم بهره‌مند شود. و متقابلاً از نظریات دلسوزانه مراجع و اعظم و فضیلاي حوزه علمیه نجف اشرف در جهت رفع آسیب‌های موجود بهره‌گیرد. بدون شک وقتی محصولات علمی نهادی مثل حوزه علمیه قم در اختیار شخصیت‌های علمی حوزه نجف قرار گرفت مورد نقادی عالمانه قرار می‌گیرد، استقبال از این نقدها شرط تعامل مثبت این دو نهاد علمی است.

۳. اظهار علاقه اساتید دانشگاه‌های عراق به همکاری و تعامل با نهادهای علمی و فرهنگی ایران، حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های کشور زمینه دیگری برای ارتباط و همکاری است. ایران و عراق به لحاظ مشترکات فراوان مذهبی، سیاسی و فرهنگی می‌توانند بهترین رابطه را در ابعاد گوناگون برقرار کنند. ارتباط شخصیت‌های علمی و نخبگان این دو کشور یکی از مناسب‌ترین و تأثیرگذارترین سطوح همکاری است. نخبگان به لحاظ جایگاه علمی و اجتماعی شان می‌توانند زمینه‌های ارتباط هر چه بیشتر سیاستمداران را نیز فراهم سازند. تبادل استاد و دانشجو، برگزاری همایش‌های علمی و اجرای پروژه‌های علمی مشترک از سوی نهادهای علمی، تنها نمونه‌ها و مظاهری از همکاری و دوستی دو ملت است. هر چند عراق هنوز با مشکلات فراوانی دست به گریبان است، اما از هم‌اکنون برقراری چنین ارتباطات علمی و فرهنگی می‌تواند به نزدیکی هر چه بیشتر دو ملت کمک کند و هم از نفوذ فرهنگی دشمنان اسلام که دشمنان دو ملت ایران و عراق اند، جلوگیری نماید.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های علوم اسلامی





مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی